



مرکز تحقیقات و نشریات

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



العقائد

مجلس البحوث الإسلامية
العلمية والثقافية
بمكة المكرمة

واقعه غدِير

٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الغدیر همراه

نویسنده:

عبدالحسین امینی (علامه امینی)

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	الغدیر همراه جلد ۱
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فهرست
۱۶	پیشگفتار مترجم
۱۸	پیشاهنگ سخن
۱۸	اشاره
۲۰	واقعه غدیر
۲۳	خطبه غدیر
۲۵	نصّ غدیر
۲۸	فصل ۱: روایان حدیث غدیر از صحابه
۳۴	فصل ۲: روایان حدیث غدیر از تابعین
۳۸	فصل ۳: روایان حدیث غدیر از دانشمندان، جز اصحاب و تابعین
۳۸	اشاره
۳۸	قرن دوم
۳۹	قرن سوم
۴۰	قرن چهارم
۴۲	قرن پنجم
۴۳	قرن ششم
۴۴	قرن هفتم
۴۵	قرن هشتم
۴۵	قرن نهم
۴۶	قرن دهم

۴۷	قرن یازدهم
۴۷	قرن دوازدهم
۴۸	قرن سیزدهم
۴۸	قرن چهاردهم
۵۰	فصل ۴: مؤلفان ویژه حدیث غدیر
۵۴	فصل ۵: گفتمان‌هایی با حجت آوردن از حدیث غدیر
۵۴	اشاره
۵۵	۱. گفتمان امیرمؤمنان (علیه السلام) در روز شورا، سال ۲۳ یا آغاز سال ۲۴ هـ.
۵۶	۲. گفتمان امیرمؤمنان (علیه السلام) به روزگار عثمان بن عفان
۶۰	۳. گفتمان امیرالمؤمنین درباره حدیث غدیر در رحبه کوفه
۶۱	۴. گفتمان علی (علیه السلام) در روز جمل، سال ۳۶ هـ.
۶۱	۵. گفتمان با سواران در کوفه در سال‌های ۳۶ و ۳۷ هـ.
۶۲	۶. گفتمان علی (علیه السلام) در روز صفین سال ۳۷ هـ.
۶۴	۷. احتجاج حضرت صدیقه، فاطمه زهرا دختر رسول الله
۶۴	۸. احتجاج حضرت مجتبی، امام حسن سبط بزرگ (علیه السلام) در سال ۴۱ هـ.
۶۴	۹. گفتمان امام حسین (علیه السلام) سبط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر محور حدیث غدیر
۶۵	۱۰. گفتمان عبدالله پسر جعفر طیار
۶۶	۱۱. احتجاج برد همدانی بر عمروعاص با حدیث غدیر
۶۶	۱۲. استدلال عمروعاص بر معاویه با حدیث غدیر
۶۷	۱۳. گفتمان عمار یاسر و عمروعاص در روز صفین با حدیث غدیر در سال ۳۷ هـ.
۶۷	۱۴. گفتمان اصبح بن نباته بر محور حدیث غدیر در مجلس معاویه به سال ۳۷ هـ.
۶۸	۱۵. گفتمان یک جوان با ابوهیره در مسجد کوفه
۶۸	۱۶. گفتمان مردی با زید بن ارقم
۶۸	۱۷. گفتمان مرد عراقی با جابر انصاری
۶۹	۱۸. گفتمان قیس بن سعد با معاویه درباره حدیث غدیر
۷۰	۱۹. گفتمان دارمیّه حجونی با معاویه بر محور حدیث غدیر در سال‌های ۵۰-۵۶ هـ.

۷۱	۲۰. سخن مستدل عمروأزدی با دشمنان امیرمؤمنان (علیه السلام)
۷۱	۲۱. استدلال عمر بن عبدالعزیز اموی متوفای ۱۰۱ هـ
۷۲	۲۲. استدلال مأمون عباسی با فقیهان به حدیث غدیر
۷۴	فصل ۶: غدیر در قرآن
۷۴	اشاره
۷۴	۱. آیه تبلیغ
۷۴	اشاره
۸۰	حرف آخر
۸۰	۲. اکمال دین
۸۲	۳. عذابی که رخ داد
۸۲	اشاره
۸۵	نظری در حدیث مزبور
۹۲	فصل ۷: عید غدیر در اسلام
۹۲	اشاره
۹۳	حدیث تهنیت
۹۳	اشاره
۹۳	بخش نخست
۹۴	بخش دوم
۹۵	بازگشت به اول
۹۶	تاج گذاری روز غدیر
۹۸	سخنان بزرگان حدیث، پیرامون سند حدیث غدیر
۱۰۱	داوری پیرامون سند حدیث غدیر
۱۰۴	معنا و مفهوم حدیث غدیر
۱۰۵	معنای کلمه «مولا»
۱۰۶	روایت های تفسیر «مولا»
۱۰۶	روزه روز غدیر خم

مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹

عنوان قرارداد: الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب. فرسی. برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور: الغدیر همراه/ مؤلف عبدالحسین امینی نجفی؛ گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص. ۳۸۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۰۳۰-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۱.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه، گزینش و انتخاب کتاب «الغدیر» اثر عبدالحسین امینی است.

مندرجات: واقعه غدیر

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: سید علوی، سیدابراهیم، ۱۳۱۸ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۵۴/۲۲۳/BP الف ۸ غ ۴۰۴۲۱۴۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۴۵۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۳۴۴۱

الغدیر همراه (جلد ۱) (واقعه غدیر)

علامه عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمه: سیدابراهیم سیدعلوی

ویراستار: عبدالحسین فخاری

حروفچینی و صفحه آرایی: چکاد

لیتوگرافی: ندا گرافیک / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهارشیراز،

کوچه مقدم، نبش ادیبی، پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۳۰-۷

ص: ۱

اشاره

فهرست

پیشگفتار مترجم ۵

پیشاهنگ سخن ۷

واقعه غدیر ۹

خطبه غدیر ۱۲

نصّ غدیر ۱۴

فصل ۱/ راویان حدیث غدیر از صحابه ۱۷

فصل ۲/ راویان حدیث غدیر از تابعین ۲۳

فصل ۳/ راویان حدیث غدیر از دانشمندان، جز اصحاب و تابعین ۲۷

قرن دوّم ۲۷

قرن سوّم ۲۸

قرن چهارم ۲۹

قرن پنجم ۳۱

قرن ششم ۳۲

قرن هفتم ۳۳

قرن هشتم ۳۴

قرن نهم ۳۴

قرن دهم ۳۵

قرن یازدهم ۳۶

قرن دوازدهم ۳۶

فصل ۴ / مؤلفان ویژه حدیث غدیر ۳۹

فصل ۵ / گفتمان هایی با حجّت آوردن از حدیث غدیر ۴۳

۱. گفتمان امیرمؤمنان (علیه السلام) در روز شورا، سال ۲۳ یا آغاز سال ۲۴ هـ _ ۴۴

۲. گفتمان امیرمؤمنان (علیه السلام) به روزگار عثمان بن عفّان ۴۵

۳. گفتمان امیرالمؤمنین درباره حدیث غدیر در رجبه کوفه ۴۹

۴. گفتمان علی (علیه السلام) در روز جمل، سال ۳۶ هـ _ ۵۰

۵. گفتمان با سواران در کوفه در سال های ۳۶ و ۳۷ هـ _ ۵۰

۶. گفتمان علی (علیه السلام) در روز صفین سال ۳۷ هـ _ ۵۱

۷. احتجاج حضرت صدیقه، فاطمه زهرا دختر رسول الله ۵۳

۸. امام ابو حامد محمد حسن، سبط بزرگ (علیه السلام) در سال ۴۱ هـ_ حدیث غدیر را حجت می آورد ۵۳

۹. گفتمان امام حسین (علیه السلام) سبط پیامبر (علیه السلام) بر محور حدیث غدیر ۵۳

۱۰. گفتمان عبدالله پسر جعفر طیار. ۵۴

۱۱. احتجاج برد همدانی بر عمرو عاص با حدیث غدیر ۵۵

۱۲. استدلال عمرو عاص بر معاویه با حدیث غدیر ۵۵

۱۳. گفتمان عمار یاسر و عمرو عاص در روز صفین ۵۶

۱۴. گفتمان اصبع بن نباته بر محور حدیث غدیر در مجلس معاویه ۵۶

۱۵. گفتمان یک جوان با ابوهریره در مسجد کوفه ۵۷

۱۶. گفتمان مردی با زید بن ارقم ۵۷

۱۷. گفتمان مرد عراقی با جابر انصاری ۵۷

۱۸. گفتمان قیس بن سعد با معاویه درباره حدیث غدیر. ۵۸

۱۹. گفتمان دارمیّه حجونی با معاویه بر محور حدیث غدیر ۵۹

۲۰. سخن مستدل عمرو اُزدی با دشمنان امیر مؤمنان (علیه السلام) ۶۰

۲۰. استدلال عمر بن عبدالعزیز اموی متوفای ۱۰۱ هـ_ ۶۰

۲۲. استدلال مأمون عباسی با فقیهان به حدیث غدیر ۶۱

فصل ۶ / غدیر در قرآن ۶۳

۱. آیه تبلیغ ۶۳

حرف آخر ۶۹

۲. اکمال دین ۶۹

۳. عذابی که رخ داد ۷۱

نظری در حدیث مزبور ۷۴

فصل ۷ / عید غدیر در اسلام ۸۱

حدیث تهنیت. ۸۲

بخش نخست ۸۲

بخش دوم ۸۳

بازگشت به اول ۸۴

تاجگذاری روز غدیر ۸۵

سخنان بزرگان حدیث، پیرامون سند حدیث غدیر ۸۷

داوری پیرامون سند حدیث غدیر ۹۰

معنا و مفهوم حدیث غدیر ۹۳

معنای کلمه «مولا» ۹۴

روایت های تفسیر «مولا» ۹۵

روزه روز غدیر خم ۹۵

ص: ۴

زلزال غدیر، بر که بر برکتی است به گستردگی اقیانوس کبیر در ولای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) که رسول خدا محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) بر عهد الهی، او را به مقام وصایت و جانشینی برگزیده و آن، جاری همیشه تاریخ ما است که نسل های حق جو و تشنگان معرفت از آبشخور آن سیراب می شوند.

علامه امینی بر کرانه آن ایستاده، واردان مشتاق را از ولای مولا سرمست می کند و خود عاشق دلباخته و به حقیقت پیوسته ای است که در بارگاه امیرمؤمنان زانوی ادب بر زمین می زد، درد دل می کرد و بر مظلومیت او اشک می ریخت و باران سان، سرشک از دیدگانش فرو می بارید و محاسن شریفش را خیس و تر می نمود. (۱)

ص: ۵

۱- نگارنده، این حالت روحانی و این جذبه معنوی علامه را در یک روز عاشورا، در کربلا و در حرم سیدالشهداء حسین بن علی (علیه السلام) ناظر بوده ام. او بدون عمامه و عبا و با پای برهنه در برابر ضریح مقدس حسینی (علیه السلام) ایستاده بود و اشک همچون باران، بر گونه هایش می غلتید. سیدعلوی

کتاب الغدير، گوشه ای از آن همه عشق و التهاب مهر علی (علیه السلام) در اعماق وجود آن بزرگمرد عصر است.

روحش شاد و در جوار مولایش بهره مند باد.

تهران سید ابراهیم سید علوی

۱۳۸۸/۱/۱۳. ه. ش

ص: ۶

حمد و سپاس برای ولیّ او است و درود فراوان بر پیامبر و خاندان او که پیشوایانند و سرپرستان امت مسلمان.

(هذا کتابتا ینطق علیکم بالحق (۱))

این است کتاب ما که حقیقت را بر شما بیان می کند.

حدیث نبأ، خبر بزرگ «غدیر خم» حدیث دعوت الهی است. حرف ولایت کبری است. سخن از کمال دین و تمامیت نعمت و رضایت پروردگار است و کتاب مبین (قرآن) که روشن و روشنگر است، بر آن نزول یافته و گزارش سنّت نبوی در آن زمینه به طور متواتر با سلسله سندهای پیوسته از عصر صحابه و تابعین تا به امروز دوام داشته است. پیرامون حدیث غدیر حقایق ناب وجود دارد و جنب و جوش های غرض آلود و شست و شوهای مغزی نیز دیده می شود که در آن

ص: ۷

خصوص، بی پرده سخن خواهم گفت و حقیقت را به خالصانه‌ترین و بهترین وجه برای خواننده عزیز آشکار خواهم ساخت. هدف از آوردن نام شاعران غدیر و نمونه اشعارشان در کنار حدیث غدیر، آن است که شهرت و تواتر آن را در هر نسلی به اثبات برسانم تا روشن گردد که آن، واضح‌ترین خبری است که در نظم و نثر بر زبان‌ها جاری گشته است.

ما این کار را خدمت دینی می‌دانیم و آن را بالا- بردن کلمه حق به حساب می‌آوریم و طرح آن را مایه حیات و عزت امت مسلمان می‌شماریم. بدین وسیله یاد جاویدان امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) را دوام بخشیده و مراتب ولای خود را به ساحت و پیشگاه مقدس صاحب ولایت کبری ابراز می‌داریم. از خداوند سبحانه مدد می‌جویم که مرا در تحقق بخشیدن به آنچه، آماده اش ساخته ام و در ظهور و بروز آنچه در اعماق دل و ژرفای اندیشه دارم، یاری فرماید.

حمد و سپاس در آغاز و پایان برای اوست.

الأمینی

ص: ۸

رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) در سال دہم ہجرت عزم زیارت خانہ خدا کرد و مردم را خبر داد. افزون بر بعضی یاران مدینہ، جمع کثیری ہم آمدند تا در حج رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) ہمراہ باشند. بہ این جہالوداع، جہالاسلام، جہالبلاغ، جہالکمال و جہالتمام (۱) گفتہ می شود و آخرین حج پیامبر، حج خداحافظی بودہ است.

رسول اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) غسل کرد و تن خویش پاکیزہ نمود و روغن مالید و جامہ ہای معمولی بیرون آوردہ فقط با دو تکہ لباس سادہ یکی بر کمر و دیگری بر دوش، با پای برہنہ راہ افتادند.

روز شنبہ بود، از ماہ ذی القعدہ، پنج یا شش روز ماندہ. پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) ہمسرانہ را در کجاوہ ہایی با خود آورد و تمام اہل بیت، مہاجران، انصار و از قبائل عرب و تودہ ہای مردم آن قدر کہ خدا می خواست با ایشان آمدند.

ص: ۹

۱- این نام ہا بہ تناسب آیہ ہای بلاغ، کمال و تمام دین می باشد. سورہ مائدہ/۳ و ۶۷.

در زمان حرکت، بیماری حصبه در مدینه شایع بود و از همراهی انبوهی از جمعیت با وی، مانع شده، با این وجود شمار همراهان را جز خدا (تعالی) نمی دانند. نود هزار، یکصد و چهارده هزار، یکصد و بیست و چهار هزار و بیشتر حدس زده شده است. و این رقم ها، تعداد همراهان بود، امّا با کسانی که از مکه و یمن به او پیوستند یا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با همراهان و نیز ابوموسی آمدند و حج گزاردند، در مجموع بیشتر بوده اند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صبح روز یکشنبه از ناحیه «یللم» راه افتادند، شامگاهان به «شرف السیاله» رسیدند و نماز مغرب و عشاء را در آن جا خواندند و حرکت فرمودند و در «عرق الظبیه» نماز صبح برگزار کردند و آن گاه در «روحاء» فرود آمدند و سپس به راه ادامه داده اند، نماز عصر را در «منصرف» گزاردند و بعد نماز مغرب و عشاء را در «شامخوران» خواندند و طعام میل کردند و نماز صبح را در «اثابه» به جا آوردند و سه شنبه در «عرج» بودند و در «لحی الجمل» که گردنه جحفه باشد حجامت فرمودند و چهارشنبه به «سقیاء» وارد شدند و سحرگاه به «ابواء» رسیده و نماز گزاردند و از آنجا راه افتاده، روز جمعه در جحفه، فرود آمدند و از آنجا به «قدید» آمدند و شنبه را در آنجا ماندند و یکشنبه در «عسفان» آرام گرفتند و بعد حرکت کردند. وقتی به «غمیم» رسیدند به پیادگان برخوردند. آنان از راه رفتن گله داشتند. رسول خدا به آن ها فرمود: آهسته و پیوسته بروند، چنان کردند و از راه رفتن لذت بردند و احساس راحتی

نمودند. دوشنبه در «مَرَّ الظَّهْرَانِ» تا شامگاهان ماندند و در «سرف» آفتاب غروب کرد، لیکن آن حضرت نماز مغرب را نخواند (تا وارد مکه) شدند و زمانی که به «ثنیتین»، راه دره ای در میانه دوکوه، رسیدند، شب را سحر کردند و سه شنبه وارد مکه شدند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از به جا آوردن مناسک حج با همان جمعیت به سوی مدینه راه افتادند تا به غدیر خم از سرزمین جحفه، که راه های اهل مدینه، مصر و عراق از هم جدا می شود، رسیدند. پنجشنبه هیجدهم ماه ذی الحجه، جبرئیل امین آیه آورد:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ، مَا أَنْزَلَ الْيَكِّ مِنْ رَبِّكَ... (۱))

ای رسول، آن چه را که از سوی پروردگارت نزول یافت، برسان.

به این ترتیب، خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان داد، علی (علیه السلام) را برپا دارد و به مردم نشان دهد و امر ولایت او را برساند و بفرماید که فرمانبرداری وی برهمگان، فرض است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بخشی از کاروان را که جلوتر رفته و به جحفه نزدیک شده بودند، برگرداندند و کاروان را فرمود که بمانند و حرکت نکنند و زیر درختان سمره که پرشاخ و برگ و سایه دار بودند، رفت و روب شد و اذان ظهر شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: ۱۱

در آنجا نماز جماعت برگزار کردند. آن روز بسیار گرم بود، طوری که مردم از شدت سوز آفتاب، بخشی از ردای خویش به سر و بخشی دیگر را زیر پاها گذاشتند. و برای رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) سایبانی درست کردند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از نماز بر روی جهاز شتران سخنرانی فرمود و طوری صدای خود را بلند کرد که همه شنیدند.

خطبه غدیر

حمد و سپاس خاص خداست، از او یاری می‌جوییم، به او ایمان داریم، بر وی توکل می‌کنیم و از آسیب‌های خویش و عملکردهای بد و زشت خود به خدا پناه می‌بریم که کلیدهای هدایت و گمراهی به دست اوست. شهادت می‌دهم که جز او معبودی نیست و من، محمد، بنده و رسول و فرستاده او هستم.

اما بعد، ای مردم، خدای مهربان و آگاه به من خبر داده است: هیچ پیامبری جز من از عمر پیامبر پیشین، در دنیا نمی‌ماند. نزدیک است من فراخوانده شوم و دعوت خدا را اجابت نمایم و همه، من و شما، مسئول هستیم. همه حاضران یک صدا گفتند: شهادت می‌دهیم که تو رساندی، خیرخواه بودی، کوشش درخور فرمودی، خدا به شما پاداش خیر عطا بفرماید.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آیا به وحدانیت خدا و این که جز او معبودی نیست، گواهی می‌دهید؟ و این که محمد بنده و رسول

اوست؟ بهشت، جهنم و مرگ، حقیقت دارد و بدون تردید قیامت در پیش است و خدا همه را از گورها، بر می انگیزد؟

همگی پاسخ گفتند: به همه آنچه فرمودید، شهادت می دهیم. رسول خدا گفت: خدایا! شاهد باش. بعد فرمود: آیا می شنوید؟ جواب دادند: آری که می شنویم، فرمود: من پیش از شما بر سرحوض وارد می شوم و شما هم کنار حوض به من می رسید. پهنای آن حوض (در مثل) میانه «صنعاء و بصری» است، در آن حوض، به شمار ستارگان کاسه هایی سیمین انداخته شده، بنگرید درباره «ثقلین» پس از من چگونه رفتار می کنید؟

کسی با صدای بلند پرسید: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) «ثقلین» چیست؟ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ثقل بزرگ، کتاب خدا (قرآن) است. یک طرف آن به دست قدرت خدای عزوجل و طرف دیگر آن، به دست شماس، به آن چنگ زنید تا گمراه نشوید. ثقل کوچک، عترت من است. همانا خدای مهربان و آگاه به من خبر داده که آن دو (ثقل اکبر و ثقل اصغر) هرگز جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و از پروردگرم چنان خواستم.

پس، بر آن ها پیشی نگیرید که هلاک شوید و عقب نمانده و کوتاهی نکنید که باز تباهی به دنبال دارد. آن گاه دست علی (علیه السلام) را گرفت و بالا برد و همه او را دیدند و شناختند و فرمود ...

ای مردم! برای مؤمنان چه کسی از خودشان اولی و سزاواتر است؟

جواب دادند: خدا و رسول او داناتر هستند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خدا، مولا و سرپرست من است و من، مولا و سرپرست مؤمنان هستم. پس من، به مؤمنان از خودشان سزاواترم و سه بار فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

در حدیث احمد حنبل آمده: این جمله چهار بار تکرار شده است. آن گاه دست به دعا برداشت و عرض کرد: خدایا دوستدار او را دوست و ولیّ او را ولی باش و با دشمن و با بدخواه او دشمنی بورز و هر کس او را دوست داشت دوستش بدار و هر که با او بغض ورزید، دشمنی کن. یاری کننده او را یار و خوارکننده اش را خوار بدار و حقیقت را هر جا او بگردد با وی بگردان. ای مردم! حاضران به غائبان باید این سخن را برسانند.

هنوز، مردم پراکنده نشده بودند که امین وحی خدا باز فرود آمد و سخن الهی آورد:

(الیوم اکلمت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی) (۱)

امروز دین شما را برای شما کامل ساختم و نعمت خود را بر شما تمام و کمال بخشیدم.

ص: ۱۴

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اکمال دین، تمامیت نعمت، رضا و خشنودی پروردگار به رسالت او و ولایت علی پس از او، تکبیر گفت.

آن گاه مردم، به عرض تبریک پرداخته و به علی (علیه السلام) تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش صحابه به علی (علیه السلام) تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند که می گفتند: به به! ای پسر ابی طالب تو مولا و سرپرست هر زن و مرد مؤمن گشتی و ابن عباس هم می گفت: به خدا قسم، این ولایت بر همه ثابت شد.

حسان بن ثابت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه گرفت درباره علی (علیه السلام) شعر بسراید و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بگو با خیر و برکت و حسیان ایستاد و گفت: ای بزرگان قریش! من به دنبال آن خطابه و نصّ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مبنی بر ولای علی (علیه السلام) که نافذ است می گویم:

(يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ بِخَمِّ فَاسْمِعْ بِالْنَّبِيِّ مُنَادِيًا...)

پیامبرشان در خم، به روز غدیر، ندا در داد بشنو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را، چه ندا کننده ای!

این است خلاصه واقعه و نصّ غدیر که در صفحات آتی به تفصیل آن خواهیم پرداخت و بدانید همه امت مسلمان در نقل آن، یک صدایند و در تمام دنیا و در بستر زمین جز آن واقعه اسلامی، غدیر دیگری وجود ندارد و اگر روز غدیر بر زبان آورده شود، مراد همان است و اگر درباره محلّ آن،

سخن به میان آید، همان مکان است و بس. هیچ کس از اهل بحث و نظر و هیچ محقق و کاوشگری جز آن مکان و آن رویداد را به خاطر نمی آورد.

آری، تنها شخصی نه چندان قابل ذکر، (دکتر ملحم ابراهیم اسود) در تعلیقه خویش بر دیوان ابی تمام از روی جهالت گفته است: غدیر خم جنگ معروفی است (!) و ما در شرح حال ابی تمام غدیریّه سرا، به آن خواهیم پرداخت.

ص: ۱۶

فصل ۱: راویان حدیث غدیر از صحابه

حدیث غدیر را یکصد و ده تن از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور مستقیم روایت کرده اند و بزرگانی از ایشان در صحنه حضور داشته اند. علامه امینی (رضی الله عنه) نام همه آن ها را در الغدیر بزرگ آورده است و ما به شماری اندک به ترتیب حرف اول نام اشاره ای داریم.

۱. ابو هریره دوسی (۱) (م: ۵۷ یا ۵۹)

۲. ابوالهثیم بن تیهان (۲) (م: ۳۷) شهید در حنین

۳. ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۳)

۴. براء بن عازب انصاری، ساکن کوفه و در گذشته به سال ۷۲ هـ. (۴)

ص: ۱۷

۱- تاریخ خطیب بغدادی ۸/۲۹؛ تهذیب الکمال و البدایه و النهایه ۵/۲۱۴ و جز آن

۲- کتاب الولایه ابن عقده

۳- جواهر العقدين، سمهودی شافعی و ینایع الموده ۴۰/؛ وسیله المآل، احمد مکی شافعی

۴- مسند احمد ۴/۲۳۶؛ سنن ابن ماجه ۱/۲۹ و ...

۵. ابوسعید ثابت بن ودیعہ انصاری خرجی مدنی، او از کسانی است که بر حدیث غدیر به نفع علی (علیه السلام) شهادت داده است. (۱)

۶. جابر بن عبدالله انصاری، وفات حدود سال ۷۳ تا ۷۸ ق. در سن نود و چهار سالگی. (۲)

۷. جندب بن جناده، ابوذر غفاری (۳) متوفای سال سی و یک هـ، در تبعیدگاه ربذه.

۸. حبه بن جوین، ابوقدامه عُرَنی بجلی (متوفای حدود ۷۶ و ۷۹ ق). (۴)

۹. حذیفه بن الیمان (وفات، سال ۳۶ هـ. ق)، همان کسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دانش گذشته و آینده تا روز قیامت را به او آموخت. (۵)

۱۰. خزیمه بن ثابت انصاری، ذوشهادتین (شهادت، ۳۷ هـ. ق)، شهید در صفین. (۶)

۱۱. رفاعه بن عبدالمنذر انصاری. (۷)

ص: ۱۸

۱- اسد الغابه ۳/۳۰۷؛ ۵/۲۰۵.

۲- کفایه الطالب/ ۱۶ و

۳- اسنی المطالب/ ۴.

۴- مجمع الزوائد ۹/۱۰۳.

۵- اسد الغابه، نخب المناقب، جواهر العقدين و

۶- حدیث الولایه ابن عقده و

۷- الغدیر، منصور رازی.

۱۲. زبیر بن عوام، مقتول به سال سی و شش هـ (۱).

۱۳. زید بن ارقم انصاری خمدجی (۲).

۱۴. سعد بن ابی وقاص، او افزون بر حدیث غدیر احادیث دیگری در شأن علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت کرده است مانند حدیث منزلت و حدیث رایت و جز آن.

روزی در حضور معاویه به علی (علیه السلام) بد گفته می شد، او اعتراض کرد و احادیث مهمی در فضیلت علی (علیه السلام) مطرح کرد و به او گفتند تو که علی (علیه السلام) را چنین با فضیلت می شناسی چرا در آن روز یاری اش نکردی؟ در جواب گفت: در آن روز اشتباه کردم و راه خطا پیمودم (۳).

۱۵. سلمان فارسی (۴).

۱۶. سهل بن ساعد (۵).

۱۷. ابوامامه صدیقی بن عجلان باهلی، ساکن شام و در گذشته به سال هشتاد و شش هـ (۶).

۱۸. ضمیره اسدی (۷).

ص: ۱۹

۱- اسنی المطالب / ۳.

۲- مسند احمد ۴/۶۸، حدیث زید درباره غدیر مفصل ترین است.

۳- مستدرک حاکم نیشابوری

۴- اسنی المطالب / ۲؛ فرائد السمطین، باب ۵۸. و ...

۵- ینابیع الموده / ۳۱.

۶- حدیث الولایه، ابن عقده.

۷- الغدیر، منصور رازی.

۱۹. طلحه بن عبیدالله تمیمی مقتول در جمل به سال سی و شش هـ. (۱)

۲۰. عایشه دختر ابی بکر و همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۲)

۲۱. عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در گذشته به سال سی و دو هجرت (۳)

۲۲. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) (۴)

۲۳. عبدالله بن مسعود هذلی، وفات او به حدود سال های ۳۲ یا ۳۳ ق. (۵)

۲۴. عمّار یاسر شهید در صفین به سال سی و هفت هـ (۶)

۲۵. عمرو بن حمق خزاعی (۷)

۲۶. فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۸)

۲۷. فاطمه دختر حمزه عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۹)

۲۸. قیس بن سعد بن عباده انصاری (۱۰)

ص: ۲۰

۱- مروج الذهب، مسعودی ۲/۱۱؛ مستدرک حاکم ۳/۱۷۱ و ...

۲- حدیث الولاية، ابن عقده.

۳- اسنی المطالب، جزری/۳.

۴- حدیث الولاية، ابن عقده.

۵- الدر المنثور، سیوطی ۲/۲۹۸.

۶- صفین، نصر بن مزاحم/ ۱۸۶.

۷- مقتل خوارزمی.

۸- موده القربی، شهاب الدین همدانی.

۹- الغدیر، منصور رازی.

۱۰- یکی از شاعران غدیر که می آید.

۲۹. کعب بن عجره انصاری (وفات، سال ۵۱ ق) (۱)

۳۰- مقداد بن عمرو کندی (۲)

۳۱. لقمان بن عجلان انصاری، از گواهان علی (علیه السلام) در گفتمان منقول از طریق اصبع بن نباته (۳)

۳۲. هاشم المرقان، مقتول در صفین (۴)

۳۳. وهب بن حمزه (۵)

۳۴. یعلی بن مرّه ثقفی (۶)

ص: ۲۱

۱- حدیث الولایه، ابن عقده.

۲- فرائد المسطین، حموی.

۳- تاریخ آل محمد.

۴- الاصابه، ابن حجر ۱/۳۰۵.

۵- مقتل خوارزمی.

۶- اسد الغابه، ۲/۲۳۳؛ ۳/۹۳؛ ۵/۶ و...

فصل ۲: راویان حدیث غدیر از تابعین

از صحابه که بگذریم که شمار راویان حدیث غدیر از ایشان فزونتر از یکصد تن است، به تابعین می‌رسیم که پس از صحابه طبقه ای را تشکیل می‌دهند. آنان نیز حدیث غدیر را با سندهای پیوسته روایت کرده‌اند. علامه امینی (رضی الله عنه) نام هشتاد و چهار تن را در کتاب بزرگ الغدیر یاد کرده است و ما تنها به شماری از آنان بسنده می‌کنیم.

۱. ابو راشد حبرانی شامی که در دمشق، مردی با فضیلت تر از او وجود نداشته است. (۱)

۲. ابو سلمه فقیه و محدث (وفات، ۹۴ هـ - ق). (۲)

۳. اصبح بن نباته تمیمی کوفی، حدیث غدیر را در گفتمان «رحبه» روایت کرده است. (۳)

ص: ۲۳

۱- تقریب، ابن حجر/ ۴۱۹.

۲- خلاصه الخزر جی ۳۸۰.

۳- اسد الغابه، ۵/۲۱۵.

۴. حبيب بن ابى ثابت اسدى، كه فقيه كوفى (وفات، بين ۱۱۷-۱۱۹ هـ.ق) بوده است. (۱)

۵. خيشمه بن عبدالرحمن جعفى كوفى (وفات، ۸۰ هـ.ق). (۲)

۶. ابوالشنى رباح بن حارث نخعى، از بزرگان تابعين به شمار آمده است و حديث او در گفتمان رُحبه و سواران آمده است. (۳)

۷. زرّبن حُبّيش اسدى، حديث او نيز در ماجراى رُحبه و سواران، آمده است. (۴)

۸. سعيدبن جبير اسدى كوفى، كه به دست حجاج بن يوسف ثقفى به قتل رسيده است. (۵)

۹. سعيد بن مسيب مخزومى (وفات، ۵۹۴ هـ.ق)، داماد ابو هريره؛ احمد حنبل مى نويسد: مرسلات سعيد همانند احاديث صحيح و مسندند و داراى اعتبار هستند. ابن مدنى مى گويد: در ميان تابعين در وسعت دانش كسى به پاى او نمى رسد. (۶)

۱۰. سليم بن قيس هلالى (وفات، ۹۰ هـ.ق)، هر دو فرقه به كتاب او استناد جسته اند. (۷)

ص: ۲۴

۱- تهذيب التهذيب، ۱/۱۷۸.

۲- تهذيب، ابن حجر ۳/۱۷۹.

۳- تهذيب ۳/۲۹۹.

۴- تذكرة الحفاظ، ذهبى ۱/۴۰.

۵- تهذيب التهذيب ۴/۱۳.

۶- تذكرة الحفاظ، ذهبى ۱/۴۷۰.

۷- كتاب سليم بن قيس، نسخه موجود در نزد ما (امينى).

۱۱. سلیمان بن مهران اعمش از شدت صدق و راستگویی اش او را مصحف می نامیدند. (۱)

۱۲. طاووس بن کیسان یمانی، او را از اولیای خدا بر شمرده اند. (۲)

۱۳. عدی بن ثابت انصاری کوفی، در گذشته به سال ۱۱۶ هـ، و ذهبی او را راستگو و امام جماعت شیعه معرفی کرده است. (۳)

۱۴. عطیه بن سعد بن جناده کوفی، سبط ابن جوزی او را موثق دانسته است و یافعی می نویسد: حجاج بن یوسف او را چهارصد تازیانه زد تا علی (علیه السلام) را ناسزا گوید و او نگفت. عطیه از راویان شأن نزول آیه تبلیغ هم است. (۴)

ص: ۲۵

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی ۱/۱۳۸

۲- جلیه الاولیاء، ۴/۲۰-۲۳

۳- میزان الاعتدال، ذهبی ۲/۱۹۳

۴- مرآة الجنان ۱/۲۴۲

فصل ۳: راویان حدیث غدیر از دانشمندان، جز اصحاب و تابعین

اشاره

صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تابعین ایشان، تنها کسانی نبوده اند که به حدیث غدیر اهتمام داشته باشند، دانشمندان و مؤلفان و مصنفان هم در قرون اسلامی با ذکر آن حدیث آثار خود را آراسته اند. علامه امینی در الغدیر بزرگ نام سید و شصت تن از آنان را آورده و ما از هر قری به یاد برخی از آنان می پردازیم.

قرن دوم

۱. عمرو بن دینار جمحی مکی (م: ۱۱۵ یا ۱۱۶)، مورد وثوق بودن او سه بار تکرار و تأکید شده است. (۱)

ص: ۲۷

۱- خلاصه، خزرجی/۲۴۴، مسعر با سه بار تأکید مورد وثوق بودن او را مطرح کرده است.

۲. محمد بن مسلم بن قرشی زهری (م: ۱۲۴)، او یکی از دانشمندان سرشناس حجاز و شام بوده است. (۱)

۳. محمد بن اسحاق مدنی، صاحب سیره معروف (۲)

قرن سوم

۱. محمد بن ادريس شافعی، متوفای ۲۰۴ هـ، پیشوای شافعی ها و از راویان حدیث غدیر (۳)

۲. علی بن حسن بن دینار عبیدی مروزی، در گذشته ۲۱۵ هـ یکی از مشایخ حدیث است و بخاری در صحیح بخاری و احمد در مسند گفته است در میان کسانی که از خراسان بر ما وارد شدند با فضیلت تر از او کسی نبود. (۴)

۳. قتیبه بن سعید ثقفی، در گذشته به سال ۲۴۰ هـ، در سن نود و دو سالگی، او تنها محدث عصر خود در شرق و غرب عالم اسلام بوده است و مردم برای دیدار او از شهرهای مختلف، بار سفر می بسته اند و پنج پیشوای حدیث: بخاری، مسلم، ابو داوود، ابوعیسی و ابوعبدالرحمن و بسیاری دیگر از او نقل کرده اند. (۵)

ص: ۲۸

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی ۱/۹۶.

۲- مستدرک، حاکم ۳/۱۱۰.

۳- النهایه فی غریب الحدیث والأثر، ابن اثیر، ۴/۲۴۶.

۴- ثقات ابن حبان و تهذیب التهذیب، ۷/۲۹۸.

۵- انساب سمعانی.

۴. احمد بن حنبل شیپانی، پیشوای حنبلی ها، در گذشته به سال ۲۴۱ هـ. (۱).

۵. محمد بن اسماعیل، متوفای ۲۵۶ هـ صاحب یکی از صحاح ششگانه. (۲).

۶. محمد بن یزید قزوینی، صاحب سنن ابن ماجه بسیاری از علما سخن او را معتبر و مورد وثوق دانسته اند او در سال ۲۷۳ هـ در گذشته است. (۳).

۷. احمد بن عیسیٰ ترمذی، متوفای ۲۷۹ هـ، یکی از صاحبان صحاح و پیشوایان سنت که بی نیاز از تعریف است. (۴).

۸. احمد بن یحییٰ بلاذری، وفات ۲۷۹ هـ که پیشوایان اسلام به او و کتابش اعتماد دارند. (۵).

قرن چهارم

۱. احمد بن شعیب نسایی صاحب سنن، متوفای ۳۰۳ هـ، از فقیه ترین مشایخ عصر خود و داناترین به حدیث بوده است. او حدیث غدیر را در سنن خود با سند صحیح و رجال مورد وثوق گزارش کرده است. (۶).

ص: ۲۹

۱- مسند احمد.

۲- تاریخ، بخاری ۱/۳۷۵.

۳- تذکره الحفاظ، ذهبی ۲/۲۰۹.

۴- المعجم الکبیر و جامع صغیر، طبرانی ۲/۵۵۵.

۵- انساب الاشراف.

۶- تذکره الحفاظ، ذهبی ۲/۲۸۶.

۲. محمد بن جریر طبری، صاحب تفسیر و تاریخ معروف (وفات، ۳۱۰ ق)، او دانشمندی دارای فضل و معرفت بوده است و کتابی مستقل درباره حدیث غدیر دارد. (۱)

۳. احمد بن عبد ربّه قرطبی متوفای ۳۲۸ هـ، به کثرت اطلاعات و آگاهی‌ها شناخته شده و کتاب عقدا لفرید او خواندنی و لذت بخش است و در همین کتاب آمده که علی (علیه السلام) در سن پانزده سالگی ایمان آورده و نیز حدیث «من کنت مولاه...» را نقل کرده است و از جمله مطالب آن، ماجرای استدلال مأمون عباسی با چهل فقیه درباره خود با حدیث غدیر است. (۲)

۴. علی بن حسین مسعودی، متوفی به سال ۳۴۶ هـ، نسب او به عبدالله بن مسعود، صحابی بزرگ پیامبر می‌رسد. او گفتمان علی (علیه السلام) را با حدیث غدیر در روز جمل گزارش کرده است. (۳)

۵. علی بن عمر دارقطنی، متوفای ۳۸۵ هـ، او در دانش حدیث و معرفت قوت و ضعف، یگانه عصر بوده و شناخت احوال رجال و راویان به او رسیده بود و مردی راستگو و امانت دار و صحیح الاعتقاد بوده است. (۴)

ص: ۳۰

۱- تاریخ بغداد، خطیب ۲/۱۶۹ - ۱۶۲.

۲- تاریخ، ابن خلکان ۱/۳۴.

۳- طبقات الشافعیه، ۲/۳۰۷.

۴- تاریخ بغداد، ۱۲/۳۴.

۱. حافظ محمد بن عبدالله بن سعد، ابو عبدالله حاکم ضبّی، صاحب مستدرک معروف، متوفای ۴۰۵ هـ، او حدیث غدیر را به طرق مختلف آورده و بیشتر آن ها را صحیح دانسته است. (۱)

۲. احمد بن محمد مسکویه، صاحب کتاب تجارب السلف، در گذشته به سال ۴۲۱ هـ، بسیاری او را ستوده اند. (۲)

۳. ثعالبی نیشابوری، صاحب کتاب یتیمه الدهر، متوفای ۴۲۹ هـ، او را پیشوای لغت و اخبار دانسته اند. (۳)

۴. ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ، او کسی است که مردم از آفاق و اکناف به دیدن او و شنیدن حدیثش بار سفر می بسته اند. (۴)

۵. بیهقی، احمد بن حسین، متوفای ۴۵۸ هـ، یکی از پیشوایان مسلمین و هادیان مؤمنین و فراخوانان به حبل متین الهی بوده است. به گفته ابن اثیر او در حدیث و فقه بر مذهب شافعی، امام بوده است و دارای تصنیفاتی است. (۵)

ص: ۳۱

۱- تاریخ بغداد، خطیب ۶/۲۷۳

۲- معجم الادباء ۵/۵-۱۹

۳- تاریخ، ابن کثیر ۱۲/۴۴

۴- تذکره الحفاظ، ذهبی، ۳/۲۹۲

۵- الکامل، ابن اثیر، ۱۰/۲۰

۱. ابو حامد غزالی، متوفای ۵۰۵ هـ. مشهور به حجه الاسلام (۱).

۲. جارالله زمخشری، متوفای ۵۳۸ هـ. پیشوای تفسیر، حدیث و ادبیات (۲).

۳. قاضی عیاض بستی، متوفای ۵۴۴ هـ. صاحب کتاب الشفاء (۳).

۴. عبدالکریم سمعانی، صاحب کتاب «الانساب»، مولود سال ۵۰۶ هـ، مردی خوش صحبت بوده؛ گویند مشایخ او به هفت هزار تن می رسید (۴).

۵. ابوالمؤید موفق بن احمد، اخطب خطبای خوارزم، متوفای سال ۵۶۸ هـ. او از شاعران غدیر است (۵).

۶. ابن عساکر دمشقی، متوفای ۵۷۱ هـ. صاحب تاریخ بزرگ (۶).

۷. ابوالفرج ابن الجوزی حنبلی، متوفای سال ۵۹۷ هـ، در هنر وعظ و تذکر معروف، و در فنون مختلف صاحب تألیف و تصنیف بوده است (۷).

ص: ۳۲

۱- طبقات سبکی، ۴/۱۰۱، ۱۸۲.

۲- تاریخ، ابن خلکان، ۲/۱۹۷.

۳- همان، ۱/۸۲۴.

۴- تذکره الحفاظ، ذهبی ۴/۱۱۱.

۵- مناقب و مقتل او به طرق مختلف.

۶- الکامل، ابن اثیر ۱۱/۱۷۷.

۷- تاریخ، ابن خلکان ۱/۳۰۱.

۱. فخر رازی شافعی، در گذشته به سال ۶۰۶ هـ، صاحب تفسیر کبیر معروف، او یگانه عصر خود بوده است. (۱)
۲. ابن اثیر شیسانی جزری شافعی یکی از سه برادر دانشمند و معروف در رشته های حدیث، تاریخ و لغت، در گذشته به سال ۶۰۶ هـ (۲).
۳. یاقوت حموی، صاحب کتاب های معجم الادباء و معجم البلدان، متوفی به سال ۶۲۶ هـ. (۳)
۴. ابن الاثیر جزری، صاحب الکامل و اسدالغابه، در تاریخ و تراجم صحابه، و یکی از سه برادر فاضل و صاحب اثر، متوفای ۶۳۰ هـ. (۴)
۵. ابن ابی الحدید معتزلی متوفای سال ۶۵۵ هـ، مؤلف شرح نهج البلاغه معروف. همین کتاب از مهارت او در حدیث و کلام و تاریخ حکایت دارد. (۵)
۶. محمد بن یوسف گنجی، صاحب کفایه الطالب، متوفای سال ۶۵۸ هـ.. بزرگانی از او نقل حدیث کرده اند. (۶)

ص: ۳۳

-
- ۱- تاریخ، ابن کثیر ۱۳/۵۵؛ طبقات، سبکی ۵/۳۳. ۴۰.
 - ۲- الکامل فی التاریخ، ۱۲/۱۲۰.
 - ۳- معجم البلدان ۳/۴۶۶؛ ۲/۳۸۹.
 - ۴- تذکره الحافظ، ذهبی ۴/۱۹۱.
 - ۵- شرح نهج البلاغه ۴/۵۷۵.
 - ۶- الفصول المهمه، ابن صباغ.

۷. محمد بن طلحه شافعی صاحب کتاب مطالب السؤل، متوفای ۶۵۲ هـ، او از شاعران غدیر در قرن هفتم به شمار می آید. (۱)

قرن هشتم

۱. سعدالدین جوینی، متوفای ۷۲۲ هـ، ملک غازان به دست او مسلمان شده، او حدیث غدیر را در بسیاری مناسبت ها آورده است. (۲)

۲. خطیب تبریزی، صاحب کتاب مشکاهالمصابیح (۳) او حدیث تهنیت را به طریق احمد روایت کرده است.

۳. تفتازانی شافعی، متوفای ۷۹۱ هـ. (۴)

قرن نهم

۱. ابوالحسن هیثمی قاهری شافعی، صاحب مجمع الزوائد، متوفای ۸۰۷ هـ، اهل قاهره و او در میان مردم بسیار محبوب و دوست داشتنی بوده است. (۵)

۲. ابن خلدون حفرمی اشبیلی مالکی، صاحب کتاب با مقدمه مشهورش، متوفای ۸۰۸ هـ. (۶)

ص: ۳۴

۱- رک. مطالب السؤل.

۲- تذکره الحفاظ، ذهبی ۴/۲۹۸؛ الدرر الکامنه، ابن حجر ۱/۶۷.

۳- مشکاه المصابیح ۵۷۷.

۴- الدرر الکامنه ۴/۳۵۰.

۵- الضوء اللامع، سخاوی ۵/۲۰۰ - ۲۰۳.

۶- همان ۴/۱۴۵؛ در مقدمه تاریخ ۱۳۸/۱. در بیان نص بر امامت.

۳. مقریزی حنفی، متوفای ۸۴۵ هـ، او خطیب جامع مسجد عمرو بوده و تصانیف او را بالغ بر دویست دانسته اند و مشایخش به ششصد تن می رسیده اند. (۱)

قرن دهم

۱. جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ، او را به داشتن تألیفات فراوان ستوده‌اند. او گفتمان علی (علیه السلام) را در روز شورا و رحبه در زمینه حدیث غدیر و نیز شأن نزول آیه تبلیغ آورده است. (۲)

۲. نورالدین علی بن عبدالله بن احمد حسنی مدنی سمهودی شافعی، متوفای ۹۱۱ هـ، ساکن مدینه منوره، عالم و مفتی و مدرس و مورخ شافعی. (۳)

۳. قسطنانی احمد بن محمد، متوفای ۶۲۹ هـ، پیشوایی حافظ بوده است و مواهب اللدنیه از آثار اوست. (۴)

۴. ابن حجر هیثمی شافعی، متوفای ۹۷۴ هـ در مکه، وی در دانش فقه دریایی بوده، بسیاری او را ستوده اند. (۵)

۵. متقی علی بن حسام الدین بن قاضی عبدالملک قرشی هندی، صاحب کنز العمال و ساکن در مکه دارای

ص: ۳۵

۱- همان ۲/۲۱ - ۲۵.

۲- شذرات الذهب، عبدالحی ۸/۵۱ - ۵۵.

۳- النور السافر / ۵۸. ۶۰.

۴- النور الطالع، الشوکانی ۱/۱۰۲.

۵- النور السافر / ۲۸۷، ۲۹۲.

مراتب تقوا و کوشش در عبادت بوده و حدود یکصد تألیف دارد، او در سال ۹۷۵ هـ، در گذشته است. (۱)

قرن یازدهم

۱. ملا علی بن سلطان محمد هروی معروف به قاری حنفی، ساکن مکه، در گذشته به سال ۱۰۴۱ هـ. (۲)

۲. احمد چلبی، صاحب اخبار الدول و آثار الأول، متوفی به سال ۱۰۳۶ هـ. (۳)

۳. علی بن احمد حلبی، صاحب «سیره حلبیه»، متوفای ۱۰۴۴ هـ. (۴)

قرن دوازدهم

۱. عبدالعزیز دهلوی، متوفای ۱۱۷۶ هـ، یکی از نویسندگان پرکار، او در کتاب قره العینین، به حدیث غدیر اشارت دارد. (۵)

۲. محمد اسماعیل صنعانی، در گذشته به سال ۱۱۸۲ هـ، یکی از شاعران غدیر در قرن دوازدهم، وی از گزارشگران حدیث تهنیت است. (۶)

ص: ۳۶

۱- همان / ۳۱۵، ۳۱۹.

۲- خلاصه الاثر، مجبی ۴/۱۸۵.

۳- همان ۱/۲۰۹.

۴- خلاصه الاثر، مجبی ۳/۱۲۲.

۵- الغدیر ۱/۱۴۳.

۶- همان ۱/۱۴۴.

قرن سیزدهم

۱. شیخ محمد بن صبان شافعی، متوفای سال ۱۲۰۶ هـ، مؤلف کتاب «اسعاف الراغیین» مطبوع در حاشیه نورالابصار شبلینجی، او حدیث غدیر را به چند طریق صحیح و حسن آورده است. (۱)
۲. محمد شوکانی، متوفای ۱۲۵۰ هـ، فقیهی ذوفنون بوده است. (۲)
۳. محمود حسینی آلوسی، در گذشته ۱۲۷۰ هـ، صاحب تفسیر روح المعانی. (۳)

قرن چهاردهم

۱. احمد زینی دحلان شافعی، متوفای ۱۳۰۴ هـ، مفتی شافعیان در مکه و دارای تألیفاتی است. (۴)
۲. سید مؤمن شبلینجی، مؤلف «نورالابصار» تاریخ مرگ او برای علامه امینی نامعلوم است. (۵)
۳. عبدالملیح انطاکی، نویسنده و یکی از شعرای غدیر. (۶)

ص: ۳۷

-
- ۱- همان ۱/۱۴۵.
 - ۲- البدر الطالع ۳/۱۱۴، ۲۲۵، به قلم خود او.
 - ۳- اعلام العراق ۲۱/؛ مشاهیر العراق ۲/۱۹۸ و ...
 - ۴- نفعه الرحمان فی مناقب، السید احمد زینی دحلان، چاپ مصر، گزارش او در حدیث تهنیت آمده است.
 - ۵- الغدیر ۱/۱۴۸، حدیث او در بیان شأن نزول آیه «سئل سائل» آمده است.
 - ۶- همان، نمونه شعر و شرح حالش در شاعران قرن چهاردهم می آید.

فصل ۴: مؤلفان ویژه حدیث غدیر

اهتمام دانشمندان اسلام به حدیث غدیر به اندازه ای بوده که به آن بسنده نکردند که آن را لابلای کتاب ها بیاورند، بلکه عده ای دست به تألیف ویژه زده، سندها را گردآورده و متن ها را ضبط و ثبت کرده اند تا حدیث غدیر حفظ شود و از دستبرد تحریف و تغییر مصون بماند.

علامه امینی (رضی الله عنه) در الغدیر بزرگ از بیست و شش نفر نام می برد که به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ هـ، در کتاب «الولایه فی طرق حدیث الغدیر»، شیخ طوسی گفته است: طبری حدیث غدیر را با هفتاد و پنج طریق، روایت کرده است. (۱)

ص: ۳۹

۱- طبقات، ذهبی ۲/۲۵۴.

۲. ابن عقده، در گذشته به سال ۳۳۳ هـ، نام کتاب او «الولایه» است او حدیث غدیر را با یکصد و پنج طریق روایت کرده است. (۱)

۳. ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن سالم تمیمی بغدادی، معروف به جعابی، متوفای ۳۵۵ هـ، او در کتاب «من روی حدیث غدیر خم»، حدیث غدیر را با یکصد و بیست طریق و با یاد هفتاد و هشت صحابی آورده است. (۲)

۴. حافظ علی بن عمر دارقطنی بغدادی، متوفای ۳۸۵ هـ. (۳)

۵. حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری، متوفای ۴۱۱ هـ. نام کتاب او «کتاب یوم الغدیر» است. (۴)

۶. ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی، متوفای ۴۴۹ هـ. نام کتاب او «عُیْدَه البصیر فی حجّ یوم الغدیر» است. نوری می گوید: این، کتاب سودمندی درباره اثبات امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز غدیر است. (۵)

۷. شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ هـ. در کتاب «طریق حدیث الولایه». (۶)

ص: ۴۰

۱- تهذیب التهذیب ۷/۳۳۷.

۲- فهرست نجاشی / ۲۸۱.

۳- کفایه الطالب، کنجی / ۱۵.

۴- فهرست نجاشی. ۱۵.

۵- مستدرک الوسائل ۳/۳۹۸.

۶- تذکره الحفاظ ۳/۲۳۱.

۸. شمس الدین محمد بن محمد جزری، متوفای ۸۳۳ هـ، در کتابی به نام «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب». او حدیث غدیر را با هشتاد طریق آورده و منکر آن را به جهل و تعصب منسوب داشته است. رساله او در اثبات تواتر حدیث غدیر است.

۹. سید میر حامد حسین بن سید محمد قلی موسوی هندی

لکنهوی، متوفای ۱۳۰۶ هـ، دو مجلد قطور زیر عنوان «عبارات الانوار» که خاص حدیث غدیر است.

(انها تذکره فمن شاء ذکره فی صحف مکرمه) (۱)

همانا آن، یک یادآوری است هر که خواست آن را در گرامی نامه ها یاد کرد.

ص: ۴۱

۱- عبس / ۳۱.

حدیث غدیر از قرون نخست تاکنون از اصول مسلم و پذیرفته شده اسلامی است، نزدیکان به آن ایمان داشته و مردمان غائب و دور هم با اذعان، آن را گزارش کرده‌اند، بی آن که کسی آن را انکار کرده باشد. هر مجادله گری وقتی کار به حدیث غدیر کشیده، سخنش را پایان داده است. آن چه در رجوع به کتاب بزرگ الغدیر اهمیت فراوان دارد، یاد کرد مستندات و منابع معتبر نزد اهل سنت و اهل تشیع است که البته به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از آن صرف نظر می‌کنیم و خواننده گرامی را به جلد اول کتاب شریف الغدیر ارجاع می‌دهیم.

استدلال با این حدیث بر حقانیت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از رحلت آن حضرت، آغاز شده

و این را سلیم بن قیس هلالی در کتاب خود آورده است و ما آن را جزو گفتمان ها یاد خواهیم کرد.

۱. گفتمان امیر مؤمنان (علیه السلام) در روز شورا، سال ۲۳ یا آغاز سال ۲۴ هـ.

خوارزمی حنفی در مناقب از عامر بن وائله می گوید: در روز شورا بر در خانه با علی (علیه السلام) بودم و شنیدم او به مردم می فرمود: «بر شما آن چنان حجت و دلیل آورم که عرب و غیر عرب شما نتواند آن را دگرگون کند و پاسخ دهد. و آن گاه فرمود: ای جماعت همه تان بشنوید، شما را به خدا قسم آیا در میان شما کسی هست که پیش از من به وحدانیت خدا برسد؟

گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا قسم، آیا احدی از شما برادری مانند جعفر دارد که در بهشت با فرشتگان پرواز کننده است؟ گفتند: به خدا سوگند، نه. فرمود: شما را به خدا آیا در میان شما کسی عمویی مانند عموی من حمزه شیر خدا و شیر رسول خدا و سیدالشهداء دارد گفتند: به خدا قسم، نه. فرمود: شما را به خدا در میان شما کسی جز من همسری مانند فاطمه دختر رسول خدا و بانوی بهشتیان دارد؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا در بین شما، برای کسی جز من دو فرزندی مانند حسن و حسین، دو آقای جوانان بهشتی، هست؟ گفتند: نه، فرمود: شما را به خدا از شما کسی جز من هست که با

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با پرداخت پیشاپیش صدقه، بارها نجوی کرد و در گوشی صحبت نمود؟ گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای احدی جز من فرموده: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست؟ خدایا دوست او را دوست بدار و با دشمن او، دشمن باش و هر که او را یاری کرد، یارش اش فرما، حاضران به غایبان برسانند؟! گفتند: نه». پایان حدیث.

این گفتمان «حدیثی کلامی» را علامه امینی (رضی الله عنه) در الغدیر بزرگ، با یادکرد منابع معتبر فراوان آورده است.

۲. گفتمان امیر مؤمنان (علیه السلام) به روزگار عثمان بن عفان

در فراید السمطین از سلیم بن قیس هلالی است که گفت: در زمان خلافت عثمان در مسجد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی (علیه السلام) را با جماعتی دیدم که با هم پیرامون علم و عفت، صحبت و گفت و گو می نمودند. در این بین از فضیلت، پیشینه و هجرت قریش سخن به میان آمد و از حدیث های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که در شأن قریش فرموده اند: «پیشوایان از قریش هستند» و «مردم به دنبال قریشند»؛ «قریش، پیشوایان عرب هستند»، مطرح کردند و هر گروه درباره مفاخر مردان طائفه خود، چیزی گفت: در آن حلقه، بیش از دویست مرد بودند و علی (علیه السلام) در میان ایشان بود (سلیم، تعدادی از یاران را نام برده است) آنان از صبح تا ظهر صحبت کردند و عثمان در خانه اش بود و علی (علیه السلام) در آن جمع، ساکت نشسته بود، او و احدی از اهل بیت سخن نمی گفتند.

مردم گفتند: یا ابالحسن چرا شما حرف نمی زنید؟ علی (علیه السلام) فرمود: هر دو گروه، فضیلت هایی مطرح کردند و حق گفتند من از شما قریش و انصار می پرسم، شما آن فضیلت ها را چگونه به دست آوردید؟ خودتان به وسیله خویشاوندان و عشیره هایتان و یا به واسطه دیگری؟

در جواب گفتند: آن فضیلت ها را خدا در پرتو وجود محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و خویشاوندان او به ما عطا کرد، نه خودمان و ایل و تبارمان. علی (علیه السلام) فرمود: راست گفتید، ای قریش و انصار، پس می دانید به آن خیر دنیا و آخرت که رسیدید فقط از ناحیه ما اهل بیت و نه دیگران بوده است.

و پسر عمویم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من و اهل بیتم نوری بودیم در پیشاپیش عرش خدای متعال در سعی بودیم چهارده هزار سال، پیش از آن که خدای عزوجل آدم (علیه السلام) را بیافریند. وقتی خدای تعالی آدم را آفرید آن نور را صلب او قرار داد و او را به زمین فرود آورد. آن گاه آن نور را در کشتی در صلب نوح قرار داد و سپس در صلب ابراهیم در میان آتش به ودیعت گذاشت و خدا همواره ما را از صلب های بزرگوارانی به رحم های پاکیزه منتقل می ساخت و هرگز سفاح و ارتباط نامشروع مطرح نبوده است.

در این جا، مسلمانان با سابقه، اهل بدر و احد گفتند، آری ما این ها را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده ایم. علی (علیه السلام) فرمود: مگر

خدا در کتاب خود (قرآن) در بیش از یک آیه، پیشی گیرنده را به پیشی گرفته شده فضیلت نبخشیده است؟ آیا احدی از این امت در سبقت به خدا و رسول او بر من سبقت و پیشی گرفته؟ در جواب گفتند: خیر، همین طور است که شما فرمودید.

فرمود: شما را به خدا آیا می دانید آیه «السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار...» (۱) و آیه «السابقون السابقون اولئك المقربون» (۲) کجا نزول یافته است؟ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به آن آیه ها سوال شد، آن حضرت فرمود: خدای تعالی آن ها را درباره انبیاء و اوصیاء نازل کرده است و من با فضیلت ترین انبیا و رسولان خدا هستم و علی بن ابی طالب و صی من با فضیلت ترین اوصیا است؟ گفتند: آری، چنین است.

فرمود: شما را به خدا آیا می دانید آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (۳) کجا نازل شده است؟ و شأن نزول آن چیست و آیه «... و لم يتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین وليجه» (۴) کجا نزول یافته و چگونه است؟

مردم پرسیدند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آیا آن مخصوص برخی

ص: ۴۷

۱- توبه، ۱۰۰ .

۲- واقعه، ۱۰ و ۱۱ .

۳- نسا، ۵۹ .

۴- توبه، ۱۶ .

مؤمنان است و یا برای همه است؟ خدا به پیامبر خود فرمود: تا والیان امر را به آن‌ها بشناساند همان گونه که نماز و زکات و حج را به ایشان شناسانده و تفسیر کرده است و مرا پس از غدیر خم برای خود جانشین منصوب فرمود و سپس خطبه خواند و گفت: خدا مرا به انجام رسالت و کاری برانگیخت که سینه‌ام تنگ شد و گمان داشتم آن جماعت مرا تکذیب کننده خواهند بود و خدا، تأکید کرده و مرا تهدید فرمود که اگر آن مأموریت را انجام ندهم مرا عذاب خواهد کرد و لذا پیامبر اکرم فرمان داد نماز جماعت تشکیل یابد و در خطابه ای فرمود: ای مردم؟ آیا می‌دانید که خدای عزوجل مولای من و من هم مولای مؤمنان هستم؟ من به ایشان از خودشان شایسته تر هستم؟ گفتند: آری که هستی، ای رسول خدا. سپس به من فرمود: یا علی بایست و من ایستادم، فرمود: من کنت مولاه ... سلمان پرسید: یا رسول الله ولایت بر چه؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ولایتی همانند ولایت من بر کسی که از خودش بر وی سزاوارترم و خدای تعالی فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم...»^(۱) پیامبر تکبیر گفت و فرمود: تمامیت نبوت من و کمال دین خدا، با ولایت علی (علیه السلام) پس از من است.

ابوبکر و عمر ایستادند و گفتند: ای رسول خدا، این آیه‌ها تنها درباره علی است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری، تنها در حق او

ص: ۴۸

و درباره اوصیای من است تا روز قیامت. آن دو نفر گفتند: آن را برای ما توضیح بده.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: علی، برادر، وزیر، وارث، وصی و جانشین من، در میان امت من است و اوست ولی و سرپرست هر مؤمن بعد از من. سپس پسر حسن و بعد پسر حسین و نه تن فرزندان او یکی پس از دیگری. قرآن همراه آنان و ایشان همراه قرآنند از هم جدا نشوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند.

۳. گفتمان امیرالمؤمنین درباره حدیث غدیر در رجه کوفه

۳. گفتمان امیرالمؤمنین درباره حدیث غدیر در رجه کوفه (۱)

علی (علیه السلام) به سال ۳۵ هـ در رجه کوفه با حدیث غدیر بر حقانیت خود استدلال کرده است، این گفتمان به اندازه ای مهم بود که انبوهی از تابعین با سندهای فراوان آن را آورده اند و شمار آنان به چهار صحابی و چهارده تابعی می رسد.

علی (علیه السلام) مردم را سوگند داد که هر کس گفتار رسول خدا را در روز غدیر خم به گوش خود شنیده، برخیزد و گواهی دهد. جمعی برخاستند و به شنیدن مستقیم حدیث «من کنت مولاه...» شهادت دادند.

علامه امینی (رضی الله عنه) در این باب هیجده حدیث گزارش کرده است و گواهان سرشناس این صحنه را به استناد سخن امام احمد،

ص: ۴۹

۱- رجه زمین فراخ و سرسبز را گویند.

سی نفر دانسته و بیست و چهار تن از آن‌ها را نام برده است با در نظر گرفتن این که، این گفتمان در سال سی و پنج هجرت رخ داده و گزارش آن، بیست و پنج سال پس از وقوع ماجرا نقل شده است و در این میان بسیاری از صحابه حاضر در آن صحنه از دنیا رفته، یا در جنگ‌ها کشته اند و بسیاری در سرزمین‌های وسیع اسلامی پخش شده بودند و کوفه از مدینه دور بوده است و بعضی‌ها از روی کینه و عداوت، از گواهی دادن خودداری کرده اند، قاعدتاً باید گواهان بیش از این‌ها بوده باشد.

۴. گفتمان علی (علیه السلام) در روز جمل، سال ۳۶ هـ.

در این سال، علی (علیه السلام) در جمل با طلحه گفتمانی براساس غدیر دارد که محدثان و مورخان آن را آورده اند.

عَلَّامَه امینی (رضی الله عنه) این روایت را به طرق مختلف نقل کرده است. مسعودی می نویسد: علی (علیه السلام) بر طلحه بانگ زد و فرمود: چه چیزی تو را در مقابل من برانگیخت؟ او گفت خونخواهی خلیفه؛ فرمود: بین ما هر کسی که بر قتل عثمان حریص تر بود، خدا بکشد. آیا نشنیدی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «اللهم وال من والاه...».

۵. گفتمان با سواران در کوفه در سال‌های ۳۶ و ۳۷ هـ.

احمد بن حنبل، پیشوای حنبلی‌ها: قومی در رجب به حضور علی (علیه السلام) رسیدند و گفتند: سلام ای مولای ما، علی فرمود: من

ص: ۵۰

چگونه مولای شما عربیم؟ آنان به حدیث غدیر استناد جستند، آن ها جمعی بودند از انصار و ابو ایوب انصاری در میان ایشان بود.

در این حدیث که به حدیث رکبان (سواران) معروف است، نه تن از سرشناسان، گواهی داده اند و کسانی که در غدیر بودند و از شهادت و گواهی، خودداری کردند مورد نفرین علی (علیه السلام) قرار گرفتند.

علامه امینی (رضی الله عنه) از ایشان شش نفر را نام می برد که به نفرین علی (علیه السلام) گرفتار گشتند.

۶. گفتمان علی (علیه السلام) در روز صفین سال ۳۷ هـ

سلیم بن قیس آن تابعی بزرگ در کتاب خود که از اصول معتبر حدیثی است، می نویسد: علی (علیه السلام) در صفین در میان اردوی خویش، برخی مهاجران، انصار و نواحی را گرد آورد و بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: آیا می دانید، خدا در کتاب خود (قرآن) سابقان، پیشی گیرندگان را بر عقب مانده ها، فضیلت و برتری بخشیده است؟ در ایمان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) احدی از من جلوتر نبوده است؟ جواب دادند: چنین است یا علی.

فرمود: شما را به خدا (!) آیا از رسول خدا راجع به آیه «السابقون» (واقعه / ۱۰ و ۱۱) سوال نشد که در پاسخ فرمود: آنان انبیاء و اوصیاء و جانشینان ایشانند و من با فضیلت ترین رسولان خدا هستم و وصی و جانشین من علی بن ابی طالب، با فضیلت ترین اوصیاء است؟

در این جا هفتاد تن از بدریون که بیشتر از انصار بودند و از مهاجران نیز تنها عمار یاسر در آن جمع حضور داشت، ایستادند و گفتند: گواهی می دهیم که چنین کلامی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدیم.

علی (علیه السلام) در ادامه سخن، فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، درباره کلام خدا «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول...» (۱) و همچنین در مورد کلام دیگر او «انما ولیکم الله و رسوله...» (۲) و سپس فرمود: «و لم یتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه». (۳) آیا مردم نپرسیدند یا رسول الله! این آیه ها عام و همه را شامل است و یا مخصوص بعضی مؤمنان می باشد. در این جا خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان داد ولایت را برای مردم همانند نماز، روزه، زکات و حج توضیح دهد و تفسیر کند، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا در غدیر خم نشانده و خطاب به مردم فرمود: خدا به من فرمانی فرستاده که به شما برسانم، بیم تکذیب دارم ولی تأکید کرد که اگر نکنی تو را عذاب کنم و به من فرمود: یا علی بایست و اعلام کرد که نماز جماعت برگزار کند و نماز ظهر گزارد و سپس فرمود: ... حدیث غدیر را یاد آوری فرمود.

ص: ۵۲

۱- نساء، ۵۹.

۲- مائده، ۵۵.

۳- توبه، ۱۶.

در این هنگام، دوازده تن از بدری ها به پا خاستند و گفتند: شنیدیم از رسول خدا و گواهی می دهیم...

۷. احتجاج حضرت صدیقه، فاطمه زهرا دختر رسول الله

این حدیث از بزرگانی چون ابوالخیر دمشقی از طریق بانوانی از اهل بیت از دخت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گزارش کرده‌اند. فاطمه (علیها السلام) فرمود: آیا فراموش کردید سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در روز غدیر که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» و همچنین حدیثی را که پیامبر به علی (علیه السلام) فرمود: تو نسبت به من چون هارون نسب به موسی هستی....

۸. احتجاج حضرت مجتبی، امام حسن سبط بزرگ (علیه السلام) در سال ۴۱ هـ.

ابن عقده: وقتی امام حسن (علیه السلام) تصمیم بر صلح با معاویه گرفت، سخنرانی طولانی کرد و پس از حمد و ثنای خدا و در پایان ضمن یاد حدیث منزلت فرمود: پیامبر در غدیر خم دست پدرم را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه...» دستور داد که حاضران غایبان را آگاه کنند.

۹. گفتمان امام حسین (علیه السلام) سبط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر محور حدیث غدیر

یک سال پیش از هلاکت معاویه، امام حسین (علیه السلام) حج به جا آورد و مردمی در حدود هفتصد تن در چادری در منا گرد

آمدند که حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان آن ها بودند. امام حسین در خطابه ای فرمود: این طاغوت با ما و شیعیان، کرد آنچه شما می دانید و دیدید و شنیدید. من از شما یک سوالی دارم، سخن مرا بشنوید و درباره راست یا ناراست بودن آن نظر دهید و آن گاه که به شهر خود و نزد کسان خود باز گشتید، آن را بنویسید و حق ما را مطرح کنید، ما بیم آن داریم که حقیقت برای مردم پوشیده بماند و در پایان کلام حدیث غدیر را عنوان فرمود.

۱۰. گفتمان عبدالله پسر جعفر طیار

من با حسن و حسین (علیهم السلام) نزد معاویه بودیم، عبدالله و فضل پسران عباس هم پیش او بودند. معاویه رو به من کرد و گفت: ای عبدالله! تو خیلی به حسن و حسین (علیهم السلام) احترام می کنی، در حالی که آن دو بهتر از تو نیستند و پدرشان هم بهتر از پدر تو نبوده است و اگر مادرشان دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود، می گفتم مادر تو، اسماء دختر عمیس، دست کم از فاطمه نداشت!

عبدالله در پاسخ گفت: ای معاویه! آگاهی تو نسبت به آن ها و پدر و مادرشان خیلی اندک است. از آنچه من در حق ایشان از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده ام غافل هستی.

گفت: آن چیست، بگو. گفتم: خیلی بزرگتر از آن چیزی است که در ذهن تو است، گفت: بگو اگر چه بزرگتر از کوه احد و حرا باشد، حال که قدرت در دست ماست، عبدالله به شأن

نزول آیه «والشجره الملعونه فی القرآن...» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن باره را یاد کرد و در پایان گفتمان، به حدیث غدیر پرداخت.

۱۱. احتجاج برد همدانی بر عمروعاص با حدیث غدیر

او شنیده بود که عمروعاص در پشت سر علی (علیه السلام) بد می گوید. آن مرد گفت: بزرگان ما، سخن رسول خدا را درباره علی (علیه السلام) که فرمود: هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست، نقل می کنند. این کلام حق است یا باطل؟ عمروعاص گفت: حق است و من بر آن می افزایم، سخن آن مرد همدانی با عمروعاص به درازا کشید او نزد قوم خود برگشت و گفت: من از نزد کسانی می آیم که سخن آنان بر علیه خودشان است، علی (علیه السلام) بر حق است از او پیروی کنید.

۱۲. استدلال عمروعاص بر معاویه با حدیث غدیر

خوارزمی به نامه ای اشاره می کند میان معاویه و عمروعاص رد و بدل شده بود، در آن نامه آمده: ای معاویه تو گفته ای علی (علیه السلام) به عثمان ستم کرده و بروی حسد برده است و صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را فاسق و نابکار خوانده ای! و آن دروغ محض است. ای بیچاره! نمی دانی که علی، جان خود را فدای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می کرد، آن جا که در رختخواب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خوابیدی و او در اسلام و هجرت بر همه پیشی گرفت و حدیث منزلت در شأن او است و در پایان نیز به حدیث غدیر اشاره کرد.

۱۳. گفتمان عمار یاسر و عمروعاص در روز صفین با حدیث غدیر در سال ۳۷ هـ _

این ماجرا را نصرین مزاحم در کتاب صفین آورده است.

۱۴. گفتمان اصبع بن نباته بر محور حدیث غدیر در مجلس معاویه به سال ۳۷ هـ _

در زمان جنگ صفین، علی (علیه السلام) نامه ای به معاویه نوشت و آن را توسط اصبع بن نباته فرستاد، اصبع بر معاویه وارد شده و در نزد او عمروعاص، ولید بن عقبه فاسق (به نص قرآن) و ابوهریره حضور داشتند. معاویه نامه را خواند و گفت: علی (علیه السلام) کشندگان عثمان را به ما تحویل نمی دهد.

اصبع بن نباته گفت: تو خون عثمان را بهانه نکن، اگر می خواستی او را در حیاتش یاری بکنی، می توانستی و نکردی. تو خواهان حکومت و قدرت بودی و رسیدی. معاویه به خشم آمد و اصبع گفت: خواستم خشم او را افزون کنم رو به ابوهریره کرده و گفتم: ای صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تو را به خدای یکتای دانای آشکار و نهان و به حق حبیب او محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، سوگند؛ تو در روز غدیر خم نشنیدی که او درباره علی (علیه السلام) چه گفت؟ ابوهریره گفت: بلی حاضر و شاهد بودم و شنیدم و حدیث غدیر را گفتم.

اصبع گفت: من گفتم پس تو (ابوهریره) به مضمون همان حدیث، دشمن دوست او و دوست دشمن وی هستی، ابوهریره در پاسخ درماند.

۱۵. گفتمان یک جوان با ابوهریره در مسجد کوفه

ابویعلی موصلی گفت: ابوهریره وارد مسجد کوفه شد، گروهی دور او را گرفتند. جوانی ایستاد و گفت: ای ابوهریره! تو را به خدا سوگند شنیدی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حق علی (علیه السلام) فرمود: هر که را من مولا هستم علی مولای اوست ...؟

ابوهریره گفت: آری من شاهد و حاضر بودم و گواهی می دهم.

۱۶. گفتمان مردی با زید بن ارقم

ابوعبدالله شیبانی گفت: من در کنار زید بن ارقم نشسته بودم، مردی آمد و پرسید: کدامتان زید بن ارقم هستید؟ گفتیم: این زید است. او گفت: تو را به خدایی که جز او خدایی نیست قسم می دهم آیا شنیده ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست ...؟ زید گفت: آری.

۱۷. گفتمان مرد عراقی با جابر انصاری

در کفایه الطالب آمده: در خانه جابر بن عبدالله انصاری بودیم، علی بن الحسین و محمد بن حنفیه و ابوجعفر هم حضور داشتند، مردی عراقی وارد شد و به جابر انصاری گفت: تو را به خدا، حدیثی را که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده ای برای من باز گو. در جحفه غدیر خم بودیم و جمعی حضور داشتند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه ...

علامه امینی (رضی الله عنه) می نویسد: ابن کثیر از این حدیث بخشی را انداخته است و او در بدزبانی و خیانت کاری معروف است و به حدیث «دعوت علی» هم دست برده، لیکن خوشبختانه روایت صحیح در منابع حدیثی و تاریخی آمده است.

۱۸. گفتمان قیس بن سعد با معاویه درباره حدیث غدیر

معاویه پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) به عزم حج وارد مدینه شد. اهل مدینه به پیشواز رفتند و و میان او و قیس بن سعد بن عبادہ انصاری سخنانی مطرح شد.

قیس گفت: به خدا سوگند برای احدی از انصار، قریش و عرب و غیرعرب، حقی نیست جز برای علی و فرزندان او. معاویه از این کلام به خشم آمد و گفت: ای سعد این را از کی شنیده و آموخته ای؟ از پدرت یاد گرفته ای؟ قیس گفت: آن را از کسی شنیده و آموخته ام که از پدرم بهتر بود و حقش بر گردن من از حق پدرم، بیشتر است. معاویه پرسید: او کیست؟

قیس گفت: علی ابن ابی طالب، دانای امت و صدیق آن، کسی که خدا در حق او آیه نازل فرموده است:

(قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب) (۱)

قیس همه آیه هایی که در شأن علی (علیه السلام) نازل شده بود، یاد کرد.

ص: ۵۸

معاویه گفت: صدیق این امت ابوبکر است و فاروق آن عمر و کسی که علم الکتاب در نزد اوست، عبدالله بن سلام است. قیس گفت: شایسته ترین فرد برای این نام ها کسی است که خدا در حق او نازل فرمود:

(افمن کان علیه ینئه من ربه و یتلوه شاهد منه) (۱)

و کسی که رسول خدا در غدیر خم او را نشانده و گفت: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست... .

۱۹. گفتمان دارمیّه حجونی با معاویه بر محور حدیث غدیر در سال های ۵۰-۵۶

زمخشری در ربیع الابرار می نویسد: معاویه به عزم حج آمد. زنی را به نام دارمیّه حجونی احضار کرد، او زنی سیاهپوست و درشت اندام بود.

معاویه: می دانی تو را برای چه خواستم؟

دارمیّه: سبحان الله من غیب نمی دانسته ام!

معاویه: برای این می خواستم که از تو پرسم چرا علی را دوست می داری و مرا دشمن.

دارمیّه: مرا از پاسخ. معاف بدار.

معاویه: باید بگویی.

دارمیّه: اگر مجبورم کنی، می گویم. من علی (علیه السلام) را برای عدالتش

ص: ۵۹

و تقسیم برابرش دوست دارم و تو را بدین سبب دشمن می دارم که تو با کسی که با فضیلت تر از توست و به این مقام سزاوارتر است، جنگیدی. دارمیه از جمله به حدیث غدیر استناد جست.

۲۰. سخن مستدل عمرو ازدی با دشمنان امیر مؤمنان (علیه السلام)

شریک بن عبدالله، مفتی و قاضی کوفه روایت می کند: نزد عمرو ازدی از علی (علیه السلام) یاد شد، او گفت: کسانی که از علی (علیه السلام) بد می گویند هیمنه آتشند، آن گاه فضائلی برای علی (علیه السلام) برشمرد و در پایان گفت: او صاحب غدیرخم است، آن زمان که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از او نام برد و ولایتش را بر امت واجب و لازم دانست و فرمود: چه کسی برای شما از خود شما شایسته تر است؟ گفتند: خدا و رسول او داناترند. فرمود: هر که را من مولای او هستم، علی (علیه السلام) مولای اوست.

۲۱. استدلال عمر بن عبدالعزیز اموی متوفای ۱۰۱ هـ

نقل است از عمر بن مروق که عمر بن عبدالعزیز در شام مردم را بذل و بخشش می کرد. نزد او رفتم. قبیله مرا جو یا شد. گفتم از قریش. از طایفه ام پرسید، گفتم بنی هاشم. پرسید از کدام قبیله، گفتم از پیروان علی؛ دست بر سینه نهاد و گفت: به خدا قسم من نیز از دوستان علی بن ابی طالب هستم. پس حدیث «من کنت مولاه...» را خواند. (۱)

ص: ۶۰

۲۲. استدلال مأمون عباسی با فقیهان به حدیث غدیر

در این گفتمان مفصّل، مأمون با فقهای دربار به بحث و مناظره پرداخته و بالاخره چنین گفته است: احدی از مهاجرین مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) در کنار رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستادگی ننموده است. او بود که همواره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را یاری کرد و در (شب مییت) در رختخواب او خوابیده و خویشتن را فدای او نموده است و او بوده که همیشه مرزهای خطر را بسته، با پهلوانان درافتاده و هیچ وقت عقب ننشسته و پشت به دشمن نکرده است؟ و او را بر دیگران امیر و فرمانده قرار داده و احدی را بر او فرمانده و مافوق نکرده است، او به حلال ها و حرام ها داناترین بوده و صاحب ولایت در غدیر خم است.

(ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربّه سیلاً) (۱)

همانا این، یک یادآوری است پس هر کس خواست راهی به سوی پروردگارش، پیش گرفت.

ص: ۶۱

اشاره

اراده خداوند متعال بر این بود تا حدیث غدیر همچنان نو و تازه بماند و با گذشت روزگار، کهنه نگردد، پس آن را در آیه... هایی که امت مسلمان هر صبح و شام تلاوت می کنند، گنجانید تا در دل هر خواننده اثر کند و در گوش او طنین انداز شود.

۱. آیه تبلیغ

اشاره

(یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس) (۱)

ای رسول! آنچه را که به تو از سوی پروردگارت نزول یافت، برسان و اگر چنین نکرده باشی رسالت او را نرسانده ای و خدا تو را از (گزند) آن مردم، صیانت فرماید.

ص: ۶۳

این آیه در روز هجدهم ماه ذی الحجه سال دهم هجرت، موسوم به حجهاالوداع نازل گردید. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به غدیر خم رسید، جبرئیل فرود آمد، پنج ساعت از روز گذشته بود، خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: ای محمد! خدا تو را سلام خواند و گوید: یا ایها الرسول... برسان آنچه را بر تو از ناحیه پروردگارت در حق علی (علیه السلام) نزول یافت. از کاروانیان که بالغ بر یکصد هزار تن می بودند و عده ای به جحفه رسیده بودند فرمان ایست یافتند و دنباله کاروان هم ایستادند تا او علی (علیه السلام) را به مردم نشان دهد و آنچه در شأن او آمده، برساند و خبر دهد و چنان هم کرد.

این حدیث در نزد ما امامیه مسلم و قطعی است، لیکن ما در این جا تنها از طریق اهل سنت به آن می پردازیم.

علامه امینی نام سی تن از مفسران معروف را نام می برد که در شأن نزول آیه شریفه به ماجرای غدیر پرداخته اند که اولین آن ها محمدبن جریر طبری، و آخرین آن ها شیخ محمد عبده مصری است.

یک: محمدبن جریر طبری در گذشته به سال ۳۱۰ هـ، از زید بن ارقم (۱) می نویسد: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بازگشت از حجهاالوداع به غدیر خم رسید، ظهر بود و هوا بسیار گرم. فرمود: زیر

ص: ۶۴

درختان را جارو زدند و اعلام نماز جماعت کردند و ما همگی گرد آمدیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطابه ای رسا ایراد فرمود و گفت: خدای تعالی این آیه بر من نازل و جبرئیل از سوی او مرا مأمور کرده که در همین جا بایستم و همه را آگاه کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی، جانشین و پیشوای پس از من است و من از جبرئیل خواستم تا پروردگارم مرا از این کار معاف بدارد، چون می دانم پارسایان اندکند و آزاردهندگان نکوهشگر فراوان، که من با علی بسیار بودم و به او رو می کردم و توجه زیاد داشتم تا جایی که مرا «أُذُن» به معنای خوش باور گفتند و خدا فرمود: (و منهم الذین یوذون النبی و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم یومن بالله و یومن للمومنین (۱))؛ و از آن ها کسانی هستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را آزار می رسانند و گویند او «گوش» است. بگو گوش خیری است برای شما که به خدا ایمان و به شما اطمینان دارد. اگر می خواستم نام می بردم و تعقیبشان می کردم، لیکن از روی بزرگواری پوشاندم فقط خدا بدان خوشنود است که آن رسالت را ابلاغ کنم.

ای مردم! بدانید که خدا او را (علی بن ابی طالب) برای شما سرپرست و پیشوا، منصوب فرمود. طاعت و پیروی اش را فرض گردانید فرمانش نافذ و سخنش گذرا است. هر که با او

ص: ۶۵

مخالفت کرد مورد لعن و نفرین است و آن کس که او را تصدیق نمود مورد لطف و رحمت است، پس بشنوید و فرمان برید که خدا مولای شما و علی (علیه السلام) امام و پیشوای شماست و پس از او امامت در فرزندان صلبی او تا روز قیامت است. حلالی نیست جز آنچه خدا و رسول او حلال کرده و حرامی نیست جز آنچه خدا و رسول او و آنان، حرام کرده اند. علم و دانشی نیست مگر آن که آن را در وجود من قرار داده و من آن را به او، علی (علیه السلام) منتقل کرده‌ام پس، از راه او عدول نکنید و از پذیرش او سرباز نزنید، اوست که شما را به سوی حق ره می‌نماید و بدان عمل می‌کند. خدا منکر او را نخواهد آمرزید و توبه اش را نخواهد پذیرفت و بر خدا لازم آمده که انکار کننده او را به شدت و برای همیشه عذاب فرماید. پس، علی (علیه السلام) پس از من با فضیلت ترین مردمان است مادامی که از آسمان روزی نازل می‌شود و آفریده ای باقی مانده است. نفرین بر مخالف او. این سخن من، سخن جبرئیل است از سوی خدا پس هر انسانی بنگرد که برای فردا چه پیش می‌فرستد.

ای مردم، محکم قرآن را بفهمید و به دنبال متشابه آن مباشید و متشابه را برای شما تفسیر نخواهد کرد مگر کسی که من دست او را گرفته و بازوی او را بالا- برده‌ام و نشان دهنده او هستم برای شما. «اِنَّ مِنْ كُنْتِ مَوْلَاهُ فَهَذَا...»: هر که را من مولای او بوده‌ام اینک این علی مولای اوست. موالات او را خدا بر حق نازل

کرده است و دو بار فرمود: آگاه باشید من رساندم و ادای وظیفه کردم و به گوش شما خواندم و توضیح دادم امامت و پیشوایی مؤمنین پس از من برای احدی جز او حلال نباشد و علی را آنقدر بالا برد که پاهای آن حضرت در برابر زانوان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت و ادامه داد و فرمود: ای مردم! این برادر من، وصیی من، فراگیرنده علم و دانش من و جانشین من برای کسی است که به من ایمان آورده است....

علامه امینی پس از آن از افراد زیر نام می برد:

۱. حافظ بن ابی حاتم، ابوسعید حنظلی رازی، م: ۳۲۷؛

۲. حافظ ابو عبدالله عاملی، م: ۳۳۰؛

۳. حافظ ابوبکر فارسی شیرازی، (م: ۴۰۷ یا ۴۱۱)؛

۴. حافظ ابن مردویه (م: ۳۲۳ - ۴۱۶)؛

۵. ابو اسحاق ثعلبی نیشابوری (م: ۴۲۷ یا ۴۳۷)؛

۶. حافظ ابو نعیم اصفهانی (م: ۴۳۰)؛

۷. ابوالحسن واحدی نیشابوری (م: ۴۶۸)؛

۸. حافظ ابوسعید سجستانی (م: ۴۷۷)؛

۹. حافظ ابوالقاسم، حاکم حسکانی؛

۱۰. حافظ ابوالقاسم ابن عساکر شافعی (م: ۵۷۱)؛

۱۱. ابوالفتح نطنزی؛

۱۲. ابو عبدالله فخرالدین رازی شافعی (م: ۶۰۶)؛

۱۳. ابوسالم نصیبی شافعی (م: ۶۵۲)؛

۱۴. حافظ عزالدین رسعنی (م: ۶۶۱)؛
۱۵. شیخ الاسلام ابو اسحق حموینی (م: ۷۲۲)؛
۱۶. سید علی همدانی (م: ۷۸۶)؛
۱۷. بدرالدین ابن عینی حنفی (م: ۸۵۵)؛
۱۸. نورالدین ابن صباغ مالکی ملکی (م: ۸۵۵)؛
۱۹. نظام الدین قمی نیشابوری؛
۲۰. کمال الدین میبدی (م: پس از ۹۸۰)؛
۲۱. جلال الدین سیوطی شافعی (م: ۹۱۱)؛
۲۲. سید عبدالوهاب بخاری (م: ۹۳۲)؛
۲۳. سید جمال الدین شیرازی (م: ۱۰۰۰)؛
۲۴. محمد محبوب العالم؛
۲۵. میرزا محمد بدخشانی؛
۲۶. قاضی شوکانی (م: ۱۲۵۰)؛
۲۷. سید شهاب الدین آلوسی شافعی بغدادی (م: ۱۲۷۰)؛
۲۸. شیخ سلیمان قندوزی حنفی (م: ۱۲۹۳)

و نفر آخر، شیخ محمد عبده مصری است. متوفای ۱۳۲۳ هـ، [\(۱\)](#) او در تفسیر آیه می نویسد: ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید خدری روایت کرده اند که آیه در روز غدیر خم در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است.

علامه امینی (رضی الله عنه) پس از یاد سی تن از مفسران اهل سنت می نویسد:

ص: ۶۸

این ها احادیث و سخنانی بود که ما در تفسیر آیه شریفه و در شأن نزول آن در واقعه غدیر خم با طول و تفصیل آوردیم، که اولین طبری و آخرین محمد عبده مصری است و فخر رازی به سخنانی بالغ بر ده وجه اشاره دارد(۱) و همین طور دیگران حرف ها و روایت هایی را مطرح کرده اند که برخی با حدیث شأن نزول مذکور منافات ندارد و برخی در تنافی اند و نشان ضعف و جهل در آن ها است.

(و انه لتذکره للمتقین و انا لنعلم ان منکم مکذبین (۲))

و همان آن نوعی یادآوری است برای پارسایان و ما می دانیم برخی از شما تکذیب کننده اید.

۲. اکمال دین

(الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا(۳))

امروز برای شما دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و خوشنودم که اسلام دین و آیین شما باشد.

یکی از آیه هایی که در روز غدیر نزول یافته و در شأن امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، آیه فوق است.

ص: ۶۹

۱- تفسیر، فخر رازی ۳/۶۳۵.

۲- حاقه، ۹۴.

۳- مائده، ۳.

امامیه از روزگار نخست بر آن معنا اتفاق نظر دارند و پیشوایان حدیث و حافظان آثار از اهل سنت هم با آنان هم آوایند.^(۱)

علّامه امینی (رضی الله عنه) به نام و نشان مفسرانی می پردازد که بالغ بر شانزده تن هستند و گفته اند آیه اکمال، در ولایت علی (علیه السلام) نازل شده است. طبری به سند زید بن ارقم روایت کرده: آیه کریمه در روز غدیر خم در حق امیرالمؤمنین نازل شده^(۲) و سیوطی می نویسد: وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی را در روز غدیر منصوب داشت و ولایت او را اعلام کرد، جبرئیل این آیه را آورد: «الیوم اکملت...» و آن روز هیجدهم ذی حجه^(۳) بود و ابونعیم اصفهانی در کتاب خود به نام «آنچه از قرآن در شأن علی (علیه السلام) نازل شده است» و خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود، و ابن مغزلی شافعی، حاکم حسکانی و ابن عساکر دمشقی و خطیب خوارزمی و سبط ابن جوزی و جلال الدین سیوطی و دیگران آورده اند. و سیوطی آن را از آیاتی برشمرده که در سفر نزول یافته اند.

(کلا انه تذکره فمن شاء و ما ینذرون الا ان یشاء الله)^(۴)

ص: ۷۰

۱- تفسیر، طبری ۶/۱۹۸، قصه اعرابی.

۲- الولایه.

۳- تفسیر الدر المنثور، ۲۸/۲۵۹؛ انفال ۱/۳۱

۴- مدثر، ۵۴ و ۵۶.

هرگز، همانا آن فقط یک یادآوری است. پس هر کس خواست آن را یاد کرد و یاد نمی کنند مگر آن که خدا خواهد.

۳. عذابی که رخ داد

اشاره

(سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع من الله ذي المعارج) (۱)

این آیه از آیاتی است که پس از نصّ غدیر خم نازل گردیده و شیعه بر آن اذعان دارد و انبوهی از دانشمندان اهل سنت هم در کتاب های تفسیر و حدیث خود آن را آورده اند.

علامه امینی (رضی الله عنه) آن گاه به بیست و نه مورد اشارت دارد که اولین، ابو عبیده هروی در کتاب تفسیر «غریب القرآن» است: وقتی آیه تبلیغ نزول یافت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچه را که باید برساند، ابلاغ فرمود و مطالب پخش شد، شخصی به نام ابن نصر عبدری آمد و خطاب به پیامبر گفت: ای محمد! ما را از سوی خدا فرمان دادی به وحدانیت خدا شهادت دهیم و رسالت تو را گواهی کنیم و به نماز و روزه و حج و زکات، ایمان داشته باشیم و پذیرفتیم به این اندازه راضی نشدی تا پسر عمویت را بالا بردی و او را بر ما فضیلت بخشیدی و گفتی: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. آیا این هم

ص: ۷۱

از خداست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قسم به خدایی که جز او معبودی نیست این امر از سوی خداست. آن مرد به سوی مرکب خود راه افتاد و می گفت: خدایا اگر آنچه را که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید حق باشد از آسمان بر ما سنگ بیاران و یا عذابی دردناک برای ما بیاور. او به مرکب خود نرسیده بود که خود او را با سنگ ریزه ای که بر سرش افتاد و از پایین اش بیرون آمد، در جا کشت و خدا آیه «سأل سائل...» را فرو فرستاد.

علامه امینی (رضی الله عنه) از بیست و هشت تن دیگر نام می برد که عبارتند از:

۱. ابوبکر نقاش موصلی بغدادی (م: ۳۵۱)، در تفسیر شفاء الصدور؛

۲. ابواسحاق ثعلبی نیشابوری (م: ۳۲۷ یا ۴۳۷)؛ در تفسیر الکشف و البیان؛

۳. حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب «دعاه الهداه الی أداء حق الموالاه»؛

۴. ابوبکر یحیی قرطبی (م: ۵۶۷)؛

۵. شمس الدین ابوالمظفر، سبط ابن جوزی حنفی (م: ۶۵۴)،

۶. شیخ ابراهیم بن عبدالله یمنی وصابی شافعی در کتاب «الاكتفاء فی فضل الاربعه الخلفاء»؛

۷. شیخ الاسلام حموینی (م: ۷۲۲)؛

ص: ۷۲

۸. شیخ محمد زرنندی حنفی در کتاب «معارض الوصول» و همچنین در درر السمطین؛
۹. شهاب الدین احمد دولت آبادی (م: ۸۴۹)؛
۱۰. نورالدین ابن صباغ مالکی مکی (م: ۸۵۵)؛
۱۱. سید نورالدین حسنی سمهودی شافعی (م: ۹۱۱) در کتاب «جواهر العقدين»؛
۱۲. ابوالسعود عمادی (م: ۹۸۲)؛
۱۳. شمس الدین شریب قاهری شافعی (م: ۹۷۷)؛
۱۴. سید جمال الدین شیرازی (م: ۱۰۰۰) در کتاب «الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین»؛
۱۵. شیخ زین الدین مناوی شافعی (م: ۱۰۳۱)؛
۱۶. سید ابن عیدروس حسینی یمنی (م: ۱۰۴۱) در کتاب «العقد و السرّ المصطفوی»؛
۱۷. شیخ احمد باکثیر مکی شافعی (م: ۱۰۴۷) در کتاب «وسيله المآل فی عدّ مناقب الآل»؛
۱۸. شیخ عبدالرحمن صفوی؛
۱۹. شیخ برهان الدین علی حلبی شافعی (م: ۱۰۴۴)؛
۲۰. سید محمود بن محمد قادری در کتاب «الصراط السوی فی مناقب النبی»؛
۲۱. شمس الدین حنفی شافعی (م: ۱۱۸۱)؛
۲۲. شیخ محمد صدرالعالم در کتاب «معارض العلی فی مناقب المرتضی»؛

۲۳. شیخ محمد محبوب العالم در کتاب «تفسیر شاهی»؛

۲۴. ابو عبدالله زرقانی مالکی (م: ۱۱۲۲)؛

۲۵. شیخ احمد بن عبدالقادر حفطی شافعی در کتاب «ذخیره المآل فی شرح عقد جواهر اللآل»؛

۲۶. سید محمد بن اسمعیل یمانی (م: ۱۱۸۲) در کتاب «الروضه الندیة فی شرح التحفه العلویة»؛

۲۷. سید مؤمن شبلنجی شافعی؛

۲۸. شیخ محمد عبده مصری (م: ۱۳۲۳).

و او سپس، ایراد ابن تیمیّه را به آن حدیث اشاره کرده و ما بدان پاسخ خواهیم داد.

(و ان تکذبوا فقد کذب امم من قبلکم و ما علی الرسول الا البلاغ المبین) (۱)

و اگر تکذیب می کنید، مردمانی پیش از شما نیز تکذیب کرده اند و بر رسول و فرستاده، جز ابلاغ روشن، وظیفه ای نیست.

نظری در حدیث مزبور

علّامه امینی (رضی الله عنه) فصلی گشوده و شبهات ابن تیمیّه را درباره «عذاب واقع» مطرح و جواب داده است و ما تنها خلاصه ای از آن بحث را می آوریم.

ص: ۷۴

دیدید که تفسیر و خبر در بیان سبب نزول آیه «عذاب واقع» یکی اند و حتی ادبا و شاعران در آن باره شعر سروده اند. (۱)

و این تنها ابن تیمیّه است که برابر خصلت نکوهیده اش مبنی بر لعجازی و عناد، آن را منکر و القای شبهه کرده است. (۲)

عَلَّامَه هفت شبهه از او نقل و به پاسخ آن می پردازد:

۱. در حدیث غدیر سخن از ابطح به میان آمده و آن در مکه واقع است نه در مدینه.

ج. او متوجه نشده که ابطح و بطحاء گاهی اسم خاص است و گاهی اسم عام و به طور کلی هر مسیله شزار را گویند که جز بطحاء مکه، در مدینه و جاهای دیگر هم از آن یاد شده است. (۳)

۲. سوره معارج مکی است، پس آیه به ده سال قبل از غدیر خم مربوط می شود.

ج. بعضی سوره ها مکی و بعضی دیگر مدنی اند و برخی سوره ها هم، چند آیه اش مکی و چند آیه دیگر مدنی اند. آن گاه عَلَّامَه امینی رضی الله عنه به نام چند سوره اشاره می کند که با وصف مکی بودن، چند آیه آن مدنی هستند که سوره معارج از آن جمله است. (۴)

ص: ۷۵

۱- ابو محمد غسانی از شاعران قرن چهارم.

۲- منهاج السنه ۴/۱۳.

۳- صحیح بخاری، ۱/۱۸ و ۱۷۵؛ صحیح مسلم، ۱/۲۸۲، معجمالبلدان ۲/۲۱۳ و ...

۴- ر.ک: الغدیر، ۱/۲۵۷ - ۲۵۵.

۳. کلام خدای تعالی «و اذا قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء»^(۱)؛ به اتفاق همه اندکی پس از جنگ بدر و سال ها پیش از غدیرختم نازل شده است^(۲).

ج. گویا ابن تیمیّه می پندارد آن کس که این همه احادیث هماهنگ را روایت می کند، آنچه را که حارث بن نعمان کافر به زبان آورده و همان آیه نازل شده سابق را در قالب دعا در آن روز تکلم کرده است و خواننده این اخبار به دروغ بودن این پندار به جدّ آگاه است. آیا در این روایت ها جز این است که (حارث و یا جابر) این کلمات را به زبان آورده است، حالا چه در بدر نازل شده باشد یا در احد؛ پس از آن کفر و الحاد خود را آشکار کرده است. ولی ابن تیمیّه درصدد آن است که علت ها را برای ابطال حق ثابت، فراوان نشان دهد.

۴. این آیه در مکه نازل شده و در آن جا عذابی نازل نشده؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان آنان بوده است.

ج. ملازمه ای نیست میان نازل نشدن عذاب بر مشرکان در مکه و بین نزول آن بر این مرد به خصوص. زیرا افعال

ص: ۷۶

۱- انفال، ۳۲.

۲- صحیح مسلم، ۲/۴۶۸؛ صحیح بخاری ۲/۱۲۵؛ تفسیر فخر رازی ۷/۴۶۷.

خداوند دارای حکمت است در جایی آن حکمت، اقتضایی دارد و گاهی ندارد. در صحیح نیز آمده وقتی قریش نافرمانی کردند و به اسلام نگریدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نفرین فرمود و آنان به قحطی و گرسنگی مبتلا شدند چنان که از شدت گرسنگی آسمان را دودی می پنداشتند. (۱)

۵. در صورت ثبوت چنان جریانی، همانند ماجرای فیل، فراوان نقل می شد. ولی آن جز از طریق ضعیف و ناشناخته نقل شده است.

ج. ابن تیمیّه، قیاس مع الفارق کرده است. این حادثه فردی در جامعه خلأ- بزرگ ایجاد نمی کرد و انگیزه هایی هم وجود داشت که موجب پنهان کاری می شد، چنان که در اصل غدیر نیز چنان کردند. ولی خدا خواست نور خویش را تمام و کمال بخشد. ادعای او که طبقات مفسران به آن تعرض نکرده اند گرافه گویی آشکار است. ما سخنان حاملان حدیث را در آن مورد نقل کردیم و صحابی های بزرگی مانند حدیقه بن یمان و سفیان بن عیینه مشهور در دانش و حدیث و تفسیر؛ اما چه باید کرد که این ابن تیمیّه سند حدیث را ناشناخته و متن آن را مناقشه می کند چون با خط و ربط او نمی سازد.

ص: ۷۷

۶. از آن روایت بر می آید که آن مرد، مسلمان بوده و به معارف پنجگانه اعتراف داشته و در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر هیچ مسلمانی عذاب نازل نشده است.

ج. از آن حدیث هم چنان که مسلمانی او معلوم می شود، کفر و ارتداد او هم آشکار است. پس از آن که کلام رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را منکر گشته است و عذاب بر او در حین مسلمانی اش نزول نیافته بلکه در زمان کفر و ارتدادش نازل گردیده است. چنان که بر جمره دختر حارث نیز نزول یافت. (۱)

۷. حارث بن نعمان در میان صحابی معروف نیست و ابن عبدالبر و دیگران از او نام نبرده اند.

ج. کتاب های تراجم اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نام همه را نیاورده اند و حتی در مستدرک ها هم که همه برای تکمیل آن ها نگاشته شده، باز نیامده است. ابن حجر نیز در آغاز کتاب الاصابه می نویسد: هر کس به علوم دینی و دانش حدیث نبوی، اشراف داشته باشد، می داند که گروهی از حافظان به گردآوری نام صحابه اهتمام ورزیده اند، تا آن جا که می نویسد: حتی به ده یک نام های اصحاب وقوف نیافته اند. ابن عبدالبر در

ص: ۷۸

استیعاب به نام و کنیه سه هزار و پانصد تن اشاره دارد و در اسدالغابه به یاد نام هفت هزار و پانصد و پنجاه و چهارتن پرداخته است و ما پیشتر گفتیم که تعداد حاضران در حجهالوداع متجاوز از یکصد هزار نفر بوده است، علاوه بر آن که ممکن است برخی از مصنفان نام او را به سبب ارتدادش، ذکر نکرده اند.

(و من الناس من يجادل في الله بغير علم و لاهدي و لا كتاب منير) (۱)

و بعضی مردم درباره خدا بدون علم و آگاهی با وجود چراغ هدایت و کتاب روشنگر، جدال و بگو و مگو می کنند.

ص: ۷۹

۱- لقمان، ۲۰.

از اموری که سبب جاودانگی و نشر حدیث غدیر شده است. آن که روز غدیر خم، عید اتخاذ گردیده و شب آن، برای عبادت و خضوع به درگاه ربوبی و انواع نیکوکاری قرار داده شده است. در این جا دو نکته قابل ذکر است:

یک: این عید به شیعه اختصاص نداشته و ندارد، هر چند که آنان علاقه و وابستگی فراوانی به آن دارند و مسلمانان دیگر هم این روز را عید می گرفته اند. (۱)

دو: آغاز عید گرفتن روز غدیر خم به زمان خود صاحب رسالت بر می گردد. (۲)

ص: ۸۱

۱- الاثارالباقیه، بیرونی، ۳۳۴؛ مطالب السؤل، محمدبن طلحه، ۵۳؛ وفيات الاعیان ۱/۶۰؛ ۲/۲۲۳؛ التنبيه و الاشراف، ۲۲۱؛ دمیه القصر، ۳۸.

۲- رک: الغدیر، ۱/۲۶۹ و ۲۷۰.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به همه حاضران از جمله شیخین، بزرگان قریش و سرشناسان انصار و مادران مؤمنان همه حضور داشتند، امر فرمود: به امیر مؤمنان (علیه السلام) وارد شوند و انتصاب آن حضرت را به مقام ولایت تهنیت گویند.

حدیث تهنیت

اشاره

برابر گزارش علامه امینی (رضی الله عنه) با استناد به کتب و راویان معتبر، حدیث تهنیت را شخصیت های معروفی نقل کرده اند، که تعدادشان به بیش از شصت می رسد و ما تنها مواردی را ذکر می کنیم.

چنانکه گفتیم تهنیت گویی به امیر مؤمنان از همان روز انتصاب به مقام ولایت آغاز شده که بسیاری از محدثان ضمن گزارش حدیث غدیر به نقل آن پرداخته اند و ما عرض تبریک و تهنیت را در دو بخش یاد می کنیم. در بخش نخست، تهنیت گویی به طور کلی که از سوی همه مطرح است و در بخش دوم، تهنیت گویی به ویژه شیخین.

بخش نخست

محمدبن جریر طبری از زیدبن ارقم: ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از بیاناتی تأکید فرمودند که بر علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام گویند و سپس باز بیاناتی فرمودند و مردم عکس العمل نشان داده و گفتند: آری، شنیدیم و امر خدا و رسول خدا را با جان و دل مطیع هستیم و اولین کسانی که دست بر دستان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) گذاشتند و بیعت کردند عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر و بقیه مهاجران و انصار و دیگران تا آن که نمازهای ظهر و عصر در یک وقت خوانده شد و برنامه ادامه داشت و نمازهای مغرب و عشاء نیز با هم خوانده شد و امر عرض تبریک سه روز دوام پیدا کرد. (۱)

بخش دوم

علامه امینی (رضی الله عنه) به شصت مورد از تهنیت گویی شیخین از کتاب ها و راویان پرداخته است: (۲)

اخطب خوارزمی، از براء بن عازب: در حجهالوداع با رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش می رفتیم در میان مکه و مدینه بودیم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرود آمد و اعلان نماز جماعت کرد و دست علی را گرفت و گفت: آیا من به مؤمنان از خودشان شایسته تر نیستم، گفتند: آری که هستی.

فرمود: این (علی)، ولی و سرپرست کسی است که من ولی و سرپرست اویم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) صدایش را بالا برد. در اینجا عمر بن خطاب با علی (علیه السلام) دیدار کرد و گفت: گوارا باشد برای تو ای پسر ابی طالب، مولای من و هر مرد و زن مؤمن شدی. (۳)

ص: ۸۳

۱- الولایه طبری، احمد بن محمد طبری مشهور به خلیلی در کتاب مناقب علی بن ابی طالب و

۲- ر.ک: الغدیر، امینی ۱/۲۷۲.

۳- المناقب، ۹۴.

عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، از براء بن عازب. (۱)

پیشوای حنبلی ها از براء بن عازب. (۲)

حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری (۳) و موارد دیگر با اندک تفاوتی در برخی مفردات حدیث ها.

بازگشت به اول

به دنبال عمل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در عید قرار دادن روز غدیر خم، خود علی (علیه السلام) در سالی که روز غدیر خم مصادف با روز جمعه شده بود سخنرانی غرایبی فرمود بدین مضمون که امروز، خدا بر شما مسلمانان دو عید (۴) را جمع کرد و پیشوایان معصوم از عترت طاهره هم آن را شناخته و آن را عید نامیده و به بیان فضیلت روز غدیر پرداخته اند. (۵)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) سوال شده آیا برای مسلمانان عیدی با فضیلت تر از فطر و اضحی و جمعه و روز عرفه، قرار داده شده است؟ امام فرمود: آری، با فضیلت ترین و بزرگ ترین و شریف ترین آن ها در نزد خدا روزی است که خدا دین خود را در آن روز تکمیل کرده و آیه (الیوم اکملت

ص: ۸۴

۱- المصنّف، ۱۲/۷۸، حدیث ۱۲۱۶۷.

۲- المسند، ۴/۲۸۱.

۳- تفسیر طبری، ۳/۴۲۸.

۴- (جمعه و غدیر) این خطبه را شیخ طوسی با سند خود در مصباح المتهدجد، ۵۲۴، آورده است.

۵- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی ۱/۳۰۳ و ۲۰۴؛ خصال صدوق ۱/۲۶۴.

لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا(را نازل فرموده است. راوی می پرسد: آن، چه روزی است؟ امام در جواب فرمود: پیامبران بنی اسرائیل هنگامی که می خواستند برای خود جانشین تعیین کنند، آن روز را عید قرار می دادند و آن روزی است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی را به امامت منصوب فرمود و آیه اکمال دین و اتمام نعمت نازل گردید و خدا بدان وسیله دین را کمال بخشید و نعمت را تمام فرمود ...

با این وجود، تعجب از نویری و مقریزی است(۱) که چگونه عید غدیر را از ساخته های آل بویه قلمداد کرده و بر روی حقیقت پرده کشیده اند، در حالی که زمانی امام صادق (علیه السلام) راجع به عید غدیر خم، صحبت کرده که هنوز نطفه آل بویه منعقد نشده بوده است.

(فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک و انقلبوا صاغرین)(۲)

پس حق، رخ نمود و آنچه آن ها می کرده اند، باطل شد و آن جا مغلوب و خوار و زبون گشتند.

تاج گذاری روز غدیر

پس از آن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی بن ابی طالب (علیه السلام) را به مقام

ص: ۸۵

۱- خطط مقریزی ۲/۲۲۲؛ النهایه الارب فی فنون الادب ۱/۱۷۷.

۲- اعراف، ۱۱۷ و ۱۱۸.

وصایت و جانشینی منصوب داشت، شایسته بود که برای آن نشان و علامتی تعیین فرماید.

در خاندان سلطنتی، تاج های جواهرنشان متداول بوده و در میان عرب، عمامه شناخته شده است که بزرگان و اشراف آن را بر سر می نهادند، و گفته اند: «العمامة تيجان العرب»^(۱) عمامه تاج عرب هاست.

بر این اساس، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را معمم کرد و با دست شریفش عمامه ای بر سر علی بست. و آن عمامه «سحاب» نام داشت. روز غدیر خم آن عمامه را بر سر علی نهاد و تحت الحنک را در پشت سر، آویخت و به روایتی از دوش چپ و راست، تحت الحنک را باز کرد.

غزالی گفته است: علی (علیه السلام) عمامه ای داشت به نام «سحاب» و آن را پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سر علی (علیه السلام) نهاد و چه بسا علی (علیه السلام) در حالی که آن را بر سر داشت، نزد وی می آمد و پیامبر می فرمود: «اتاکم علیّ فی السحاب»: علی در سحاب آمد. این است معنای این که علی در سحاب آمد نه آنچه برخی جاهلان و معاندان می پندارند و به شیعه نسبت می دهند که علی (علیه السلام) در ابر آمد!

پس روز غدیر روز تاج گذاری امام نخستین و بزرگ ترین عید برای دوستداران امیرمؤمنان است.

ص: ۸۶

۱- تاج العروس، ۲/۱۲؛ النهایه، ابن اثیر.

(وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ * وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ) (۱)

صورت هایی در آن روز، باز، خندان و شادابند و روی هایی در چنان روز گردآلودند و بر آن ها غبار اندوه نشسته است.

سخنان بزرگان حدیث، پیرامون سند حدیث غدیر

سخنان بزرگان حدیث، پیرامون سند حدیث غدیر (۲)

این فصل را بدان جهت نگشودیم که نیازی به اثبات صحت و تواتر آن داشته‌ایم، که صحت و متواتر بودن آن مانند آفتاب در میان آسمان است. چه کسی می‌تواند صحت حدیث غدیر را انکار کند که بیشتر رجال سند آن، رجال صحیحین هستند، و چه عنادی ممکن است وجوه داشته باشد که احدی تواتر آن را مورد تردید قرار دهد؟! که بزرگانی از دور و نزدیک به تواتر لفظی و معنوی آن شهادت داده‌اند و بیشتر مؤلفان در زمینه حدیث و تاریخ و تفسیر و کلام، درباره آن حدیث، کتاب ویژه نوشته‌اند و ضمن نقل، به صحت اسناد و اعتبار رجال گزارشگر آن اعتراف نموده‌اند.

علامه امینی (رضی الله عنه) به نام و نشان چهل و سه تن از ایشان گاه به تفصیل و گاه به اجمال پرداخته است.

حافظ ابو عیسی ترمذی: این حدیث (حدیث غدیر) حدیثی حسن و صحیح است. (۳)

ص: ۸۷

۱- عبس ۳۷ - ۴۰.

۲- رک: الغدیر ۱/۲۹۴ - ۳۱۳.

۳- صحیح ترمذی، ۲/۲۹۸.

طحاوی: اسناد آن، صحیح است و احدی در درستی راویان آن حرفی ندارد. (۱)

محاملی بغدادی هم آن را حدیثی صحیح دانسته است. (۲)

حاکم در مستدرک خود، و محمد عاصمی گوید: این حدیث را همه امت مسلمان، تلقی به قبول کرده‌اند و آن، موافق اصول است. (۳)

عبدالبقر قرطبی، حدیث غدیر را پس از یاد حدیث مؤاخاه و برادری و حدیث رایت و پرچم، آورده و گفته است همه این‌ها آثار هستند. (۴)

ابن مغازلی نیز می‌نویسد: این حدیث، صحیح است و بیش از یکصد تن آن را روایت کرده‌اند و از آن جمله‌اند: «عشره مبشره»: ده تن مژده داده شده و آن فضیلت منحصر به شخص علی (علیه السلام) است و احدی در آن، شریک وی نیست. (۵) و ابوالفرج ابن جوزی حنبلی در مناقبش و سبط ابن جوزی حنفی در تذکره می‌نویسد: اگر کسی بگوید کلام عمر به علی «اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه» ضعیف است می‌گوییم نه، اصل حدیث، صحیح است.

ص: ۸۸

۱- مشکل الآثار، ۲/۳۰۸.

۲- الامالی.

۳- زین الفتی.

۴- الاستیعاب ۲/۳۷۳.

۵- المناقب، ۲۷.

همچنین ابن ابی الحدید معتزلی (۱) و گنجی شافعی (۲) و ابوالمکارم سمنانی (۳) و شمس الدین ذهبی (۴) و ابن کثیر شافعی دمشقی (۵) و نورالدین هیثمی (۶) و شمس الدین جزری (۷) و ابن حجر عسقلانی (۸) و ابوالخیر شیرازی (۹) و شهاب الدین قسطلانی (۱۰) حدیث غدیر را صحیح دانسته اند.

ابن حجر هیثمی می نویسد: شیعه به حدیث غدیر استدلال کرده و آن حدیث صحیحی است و شکی درباره آن نیست و شانزده تن از صحابه آن را روایت کرده اند.

در روایت احمد نیز آمده که سی تن آن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده اند و بسیاری از اسناد آن، صحیح و حسن است و در صحت آن به سخن کسی که می گوید علی (علیه السلام) در آن زمان در یمن بوده، اعتنایی نیست او در آن موقع برگشته بود... (۱۱)

جمال الدین حسینی شیرازی و دیگران نیز حدیث غدیر را به صحت و درستی توصیف کرده اند.

ص: ۸۹

- ۱- شرح نهج البلاغه، ۲/۴۴۹.
- ۲- کفایه الطالب / ۱۵.
- ۳- العروه الوثقی.
- ۴- طریق حدیث الولاية، تألیف ویژه درباره غدیر خم.
- ۵- در کتاب تاریخ خود ۵/۲۰۹.
- ۶- مجمع الزوائد، ۲/۱۰۴ - ۱۰۹.
- ۷- اسنی المطالب.
- ۸- تهذیب التهذیب ۶۷/۳۳۷ - ۳۳۹.
- ۹- ابطال الباطل.
- ۱۰- المواهب اللدنیه، ۷/۱۳.
- ۱۱- الصواعق المحرقة، ۲۵.

«و سخن راست و عادلانه پروردگار تو به تمام و کمال رسید دگرگون کننده ای برای سخنان او نیست. اوست شنوای دانا و اگر از بیشترین مردم روی زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند که آن ها جز از ظن و گمان تبعیت نمی نمایند و تنها حدس می زنند و بس».(۱)

داوری پیرامون سند حدیث غدیر

و ان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهلهم (۲)

و این که میان آنان با آنچه خدا نازل فرمود داوری کن و به دنبال هواها و خواهش های آنان مباش.

نتیجه بحث و بررسی نهایی آن شد که جماعت زیادی از دانشمندان امت مسلمان و حافظان حدیث و رؤسای مذهب (سنت و جماعت) حدیث غدیر را روایت و به صحت و درستی آن اطمینان آشکار کرده اند. لیکن در این میان تعدادی اندک پیدا شده اند که بر اثر عصبیت و به دنبال کینه و عداوت درباره امیر المؤمنین (علیه السلام) یاوه بافته و گزاف گفته اند (۳) و درباره آنان، شعر آن شاعر صادق است که گفته:

فان کان لایدری فتلک مصیبه

و ان کان یدری فالمصیبه اعظم!

اگر او نمی دانسته است (با وجود این همه نقل) آن

ص: ۹۰

۱- انعام، ۱۱۵-۱۱۶.

۲- مائده، ۴۹.

۳- ر.ک: مشکل الاثار، طحاوی ۲/۳۰۸.

مصیبتی است و اگر می دانسته است (و انکار کرده) پس مصیبت بزرگتر است.

و ما با چنان کسانی آن گونه برخورد می کنیم که خدای سبحانه به ما فرمان داده است:

(و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً) (۱)

وقتی مردمان نادان با ایشان هم سخن شوند در پاسخ آن ها سلام گویند و بس.

بعضی هم ناشیانه گفته اند: حدیث غدیر در غیر کتب صحاح آمده است (۲): غافل از آن که آن را ترمذی در صحیح خود و ابن ماجه در سنن و دارقطنی به چند طریق روایت کرده اند. از همین جا ارزش سخن کسی که در صحت حدیث غدیر، بدان جهت خدشه وارد کرده که آن، در صحیحین شیخین (مسلم و بخاری) نیامده است، معلوم می شود. زیرا دیگران آن حدیث را صحیح و اجماع جمهور اهل سنت را بر آن، نقل کرده اند و گفته اند چه بسیار حدیث صحیحی که شیخین نیاورده اند. (۳) و آنگهی به اعتراف بزرگان حدیث، مسلم و بخاری همه احادیث صحیح را در کتاب هایشان (صحیحین) گرد نیاورده اند، در حالی که برخی سرشناسان اهل سنت آن

ص: ۹۱

۱- فرقان، ۶۳.

۲- المقاصد، تفتازانی، ۲۹۰؛ منهاج السنه. ابن تیمیّه ۴/۸۵؛ سهام الثاقبه، هروی؛ ...

۳- الصراط السوی فی منقب آل النبی؛ ر.ک: الغدیر ۱/۳۰۴.

حدیث را یاد کرده و افزون بر صحت، به تواتر آن نیز حکم کرده اند.

آن گاه علامه امینی (رضی الله عنه) از سی تن از سرشناسان اهل حدیث نام برده که حدیث غدیر را با سندهای صحیح و حسن آورده اند و بعضی از آنان از اساتید شیخین در کتاب های صحیحشان هستند. (۱)

نمی دانم بعضی از این افراد چقدر به ساحت قدس خداوند رحمن جرأت و جسارت دارند که به علمای بزرگ خود افترا بسته اند و در عین حال که در تواتر یک حدیث نقل هشت صحابی را کافی دانسته اند وقتی به حدیث غدیر می رسند نقل یکصد و ده تن را کافی نمی دانند و شبهه زایی می کنند! (۲)

و از همه شگفت تر، کار احمد امین مصری است، او می نویسد: حدیث غدیر را شیعه از براء بن عازب روایت نموده اند؛ در حالی که شما خواننده محترم می دانید که بهره براء بن عازب در روایت های اهل سنت، بیشترین است، لیکن چه باید کرد که احمد امین، خوش دارد آن را فقط به شیعه مستند کند تا به زعم خود از اعتبار آن بکاهد و این کار از

ص: ۹۲

۱- نک: الغدیر ۱/۸۲- ۹۳.

۲- راجع به تواتر حدیث «الائمہ من قریش» ر.ک: الفصل، ابن حزم ۴/۸۹؛ تاریخ، ابن کثیر ۷/۲۸۹؛ تهذیب التهذیب ۷/۴۰۹؛ الاصابه ۲/۵۱۲.

شخصی چون او تازگی ندارد. او در کتاب های صبح الاسلام، ضحی الاسلام و ظهرالاسلام خود چه بسیار دسته گل ها به آب داده است.

(... کبرت کلمه تخرج من افواههم ان يقولون الا کذباً * فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحدیث اسفاً (۱))
چه سخن بزرگی از دهانشان بیرون می آید که جز دروغ به زبان نمی آورند و شاید تو بر آثار ایشان افسوس بخوری که به این حدیث ایمان نیاورده اند!

معنا و مفهوم حدیث غدیر

از آنچه گذشت، شکی باقی نمی ماند که حدیث غدیر از ناحیه مقدس نبوی، صادر شده و از دو لب مبارک او شنیده شده است، پس در صحت سند حدیث، حرفی نیست.

اما دلالت آن بر امامت مولای ما امیرالمؤمنین (علیه السلام)، می گوئیم: ما در هر چیز بتوانیم شک کنیم در این امر شک و تردید نداریم که کلمه «مولا» چه نص باشد در آن معنا که ما می گوییم و چه لفظ مشترک باشد در چند معنا و اعم از آن که مقام عاری از قرینه باشد یا توأم با آن، آن جماعت حاضر در صحنه غدیر خم و شخصیت های بعد همین معنای «اولی» و سزاوارتر را فهمیده اند که از آن جمله بوده اند:

ص: ۹۳

خود امیرالمؤمنین و حسان بن ثابت، قیس بن سعد، محمد بن عبدالله حمیری، عمروعاص و کمیت اسدی، سید اسماعیل حمیری، عبدی کوفی، ابوتمام و دیگران.^(۱)

و کسانی که آن را در قالب شعر به زبان نیاورده اند در نثر به آن تصریح کرده‌اند. همانند حارث بن نعمان فهری (جابر) در قصه «عذاب واقع» علاوه بر آنچه در گفتمان‌هایی که به بیان آن‌ها پرداخته ایم معنای «مولا» به طور قطع «اولی» و سزاوارتر تلقی شده و حتی این معنا بر بانوان پرده نشین هم پوشیده نبوده همانند دارمیه حجونی.^(۲)

علامه امینی (رضی الله عنه) آن گاه از چهل و دو تن از مفسران نام می‌برد که «مولا» در معنای سزاوارتر تفسیر کرده‌اند.

معنای کلمه «مولا»

واژه «مولا» که در حدیث غدیر آمده است یا به معنای «اولی» است و یا آن، یکی از معانی کلمه است و سخن مفسران و محدثان بر این است که مراد از کلمه مولا- در آیه سوره حدید «اولی» است و از آنان است: ابن عباس، کلینی، فراهی، معمر بن مثنی و بیست و هفت تن دیگر و گروهی هم آن را یکی از معانی مولا دانسته‌اند که علامه از تعدادی نام می‌برد.^(۳)

ص: ۹۴

-
- ۱- به همه این موارد در بخش شاعران غدیر اشاره خواهد شد.
 - ۲- ربیع الابرار، زمخشری، باب چهل و یک؛ ماجرای حج معاویه، ر.ک: العقد الفرید ۱۴/۱۶۲.
 - ۳- از جمله: در صحیح بخاری، ۷/۲۴۰؛ تفسیر ابی السعود در حاشیه تفسیر رازی ۸/۷۲.

روایت های تفسیر «مولا»

علامه امینی (رضی الله عنه) در فصلی به بیان این معنی پرداخته که روایت هایی که کلمه مولا دارند، حدیث غدیر را برای ما معنا کرده اند؛ از جمله از علی بن ابی طالب (علیه السلام) سوال کردند که معنی کلام نبوی که فرموده: «من کنت مولاه فعلی مولاه» چیست؟ علی (علیه السلام) در پاسخ فرمود: رسول خدا مرا فرمود ایستادم و مرا منصوب داشت پس هر کس با من مخالفت کرد گمراه شد. (۱)

(هذا صراط ربك مستقيماً قد فصلنا الايات لقوم يذكرون) (۲)

این است راه مستقیم پروردگار تو و ما آیه ها و نشانه ها را توضیح دادیم برای کسانی که غافل نیستند.

روزه روز غدیر خم

از آن جا که با نصب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر خلافت و جانشینی، روز غدیر خم روز اکمال دین و اتمام نعمت است، چنین روزی روز تقرب به خدا و فرصت عبادت و بندگی است. نماز، دعا، روزه، احسان و اطعام در آن، مستحب است. جشن و ابراز شادمانی، در آن روز امری پسندیده است.

خطیب بغدادی از ابوهریره روایت کرده است:

ص: ۹۵

۱- زین الفتی، عاصمی، ر.ک: الغدیر ۱/۳۸۷-۳۹۰.

۲- انعام/۱۳۶.

(من صام يوم ثمان عشر من ذى الحجه، له صيام ستين شهراً و...)

هر کس هیجدهم ماه ذی الحجه را روزه بدارد، روزه شصت ماه برای او نوشته می شود.

حدیث شناسان، سند این حدیث را تأیید نموده اند.

ص: ۹۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

